

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

یکشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۱ _ ۶ نوامبر ۲۰۲۲

شماره ۸۳۴

تأمین حقوق ملی کورد در چهارچوب ایرانی دموکراتی و فدرال

تاکنون ۵۶ کورد در اعتراضات کوردستان شهید شده‌اند

و بسیاری از شهرهای کوردستان را تاکنون دربر گرفته و همچنان نیز ادامه دارد. اعتراضات و اعتصابات در کوردستان پس از فراخوان مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران شروع و پس از مدتی کوتاه منجر به قیامی فراگیر شد که تاکنون با قوت هرچه تمام‌تر پیش می‌رود.



به گزارش آژانس حقوق بشری کورپا، در ادامه اعتراضات مردمی که با شدیدترین شیوه توسط نیروهای سرکوبگر رژیم ایران سرکوب می‌شود، ده‌ها نفر از معترضان با شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر شهید شده‌اند که تاکنون هویت ۵۶ نفر از آنان محرز است. از این ۵۶ قربانی ۵ نفرشان زیر ۱۸ سال سن داشتند. در ادامه سرکوبهای خونین هزاران معترض با فشنگ ساچمه‌ای زخمی شده‌اند که هویت بیش از ۴۰۰ نفرشان برای آژانس حقوق بشری کوردپا محرز است.

طبق آمار منتشره در میان چند هزار بازداشتی کورد در کوردستان، هویت ۷۵۰ نفر برای کوردپا محرز که بیش از ۶۰ نفر از بازداشتی‌ها زن هستند.

اعتراضات ضد حکومتی کوردستان که پس از کشتن ژینا امینی توسط نهادهای حکومتی جانش را از دست داد، از روز شنبه ۲۶ شهریور در شهرستان سقز شروع



اطلاعیه مرکز همکاری احزاب کوردستان به مناسبت اعتراضات چهل‌م ژینا امینی

که تا تحقق همه خواسته‌های برحق خود هرگز از پای نخواهد نشست. به همین مناسبت ما بعنوان مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران به جان پاک همگی شهدای این جنبش نوین درود می‌فرستیم و علاوه بر تسلیت به تمامی مردم کوردستان و خانواده‌های داغدار، به اتحاد و همدلی بی‌نظیرتان افتخار میکنیم. ما از اعماق وجود سپاس خود را نثاران کرده و پیمان دوباره می‌بندیم که تا روز پیروزی هم‌رمز و پشتیان شما خواهیم ماند. امروز پس از چهل روز مبارزه و کسب تجارب با ارزش، به مرحله جدیدی رسیده ایم که به فعالیتهای جدید و طُرق مختلف مبارزه نیازمند است. مردم کوردستان به درازای مبارزه ده‌ها ساله خود بخصوص خیزش چهل روز اخیر به مقامی رسیده است که خود رهبری جنبش را به دست بگیرد و با راهکارهای مختلف و مبتکرانه در برابر دستگاه سرکوب و کشتار رژیم توانای مقابله داشته باشد.

در پایان بار دیگر سپاس و قدردانی خود را به همه اقشار مردم کوردستان و همه آزادیخواهان ایران نثار کرده و دستا نشان را به گرمی می‌فشاریم. زندباد مقاومت و اتحاد و

انسجامان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران
چهارم آبانماه ۱۴۰۱

مردم مبارز و آزادیخواه کوردستان

آزادیخواهان سراسر ایران

معلمان، دانش آموزان، کارگران و بازاریان

ایران و کوردستان

هم میهنان خارج از کشور

امروز ۴ آبان ماه، چهل روز از شهید شدن ژینا (مهسا) امینی و چهل روز از شروع اعتراضات جنبش نوین ژینا می‌گذرد. امروز در شهر سقز؛ زادگاه ژینا مردم این شهر و هزاران نفر دیگر از شهرهای کوردستان و ایران به مناسبت چهل‌م مرگ ژینا در این شهر حماسه‌ای دیگر آفریدند. اکنون چهل‌م مرگ ژینا به نقطه عطفی در جنبش حق طلبانه مردم کوردستان بدل گشته و در تاریخ این جنبش درخشان و جاودانه خواهد ماند.

همزمان با سقز، در همه شهرهای کوردستان و اکثر شهرهای ایران به مناسبت چهل‌مین روز شهید شدن ژینا امینی اعتصاب و اعتراضات متعددی برگزار شد.

معترضین دوش به دوش زنان آزادیخواه که پیشرو و پیشاهنگ این اعتراضات بودند با شعار زن، زندگی، آزادی و شعار سرنگونی رژیم، بار دیگر اتحاد و همدلی خود را به نمایش گذاشتند.

مردم مقاوم کوردستان با خیزش شجاعانه و فریاد حق طلبانه خود بار دیگر ثابت کردند که کوردستان سنگر و دژ محکم و شکست‌ناپذیر آزادیخواهان و موطن آزادی انسانهای انقلابیست



ما گرز سر بریده می‌ترسیدیم؛
در محفل عاشقان
نمی‌رقصیدیم



مردم شرافتمند و آزادیخواه کردستان!

دختران و پسران پرشور و انقلابی!

سلام گرم پیشمرگان کوهستان تقدیم‌تان باد!

اکنون به مرحله‌ی نوینی پا نهاده‌ایم. چهل روز از رویداد شهادت ژینا می‌گذرد. ابتدا اجازه بدهید به مناسبت جان باختن و شهادت عزیزانمان طی این مدت به ویژه هشت شهید ۲۴ ساعت گذشته در کردستان عزیز به خودمان، مردم قدرشناس کردستان، اعضای خانواده‌هایشان و تمامی دوستان و رفقا و همسنگران‌شان در خیابانهای کردستان تسلیت بگویم. به مناسبت فعالیتها و فداکاریهایتان در این مدت دست مریزاد می‌گویم. شما مایه‌ی تقدیر و افتخار همه‌ی خلقهای ایران و جهان هستید.

رفقای گرامی!

در چهل‌م ژینای عزیز، مبارزه‌ی‌مان وارد مرحله‌ی نوینی شد. همانگونه که می‌دانید با شهادت ژینا جرقه‌ی انقلابی در کردستان عزیز زده شد که بسیار زود سراسر ایران را فراگرفت و مرزها را پشت سر نهاد و توجه همه‌ی ایرانی‌ها را در سراسر جهان به خود معطوف ساخت و ایران و جهان به حمایت از این قیام برخاستند. اما

خالد عزیزی در پارلمان سوئد: دیپلمات‌های زن در سفر به ایران با حجاب ظاهر نشوند، این بی‌احترامی به جنبش زنان این کشور است



خالد عزیزی، سخنگوی حزب دموکرات کردستان ایران روز سه‌شنبه، سوم آبانماه (۲۵ اکتبر) در یک گردهمایی سیاسی با میزبانی حزب لیبرال سوئد و به منظور بحث و گفتگو پیرامون وضعیت ایران و کردستان، خیزش ژینا و تأثیرگذاری این خیزش بر جامعه‌ی ایران در پارلمان این کشور شرکت کرد.

این نشست با یک دقیقه سکوت به پاس شهدای خیزش مردمی ایران شروع شد. سپس خالد عزیزی طی سخنانی به بررسی و ارزیابی ابعاد مختلف خیزش مردم ایران و قتل حکومتی ژینا توسط نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی پرداخت. وی با اذعان به اینکه خیزش مردمی در اعتراض به مرگ ژینا همبستگی و هم‌صدایی وسیعی را در میان ملل مختلف ایران برانگیخته است، افزایش واکنش‌های جهانی علیه جمهوری اسلامی را ستود. سخنگوی حزب دموکرات کردستان ایران در این نشست از نمایندگان پارلمان و مسئولین دولت سوئد خواست تا دیپلمات‌های زن اروپا در سفر به ایران با حیباج ظاهر نشوند؛ زیرا این بی‌احترامی به خیزش فراگیر زنان این کشور است.

در بخش دیگر این نشست پانلی با شرکت فریدریک مالم، نماینده‌ی پارلمان از حزب لیبرال، هانس ایکستروم، نماینده‌ی حزب سوسیال دموکرات در پارلمان و سخنگوی سابق وزارت خارجه سوئد؛ ماگنوس نوربل، تحلیل‌گر و کارشناس در امور خاورمیانه و خالد عزیزی، سخنگوی حزب دموکرات کردستان ایران برگزار شد. در این پانل سخنرانان به سوالات مختلف حاضران درخصوص وضعیت ایران و کردستان پاسخ دادند.

گفتنی است جدا از نمایندگان حاضر در این پانل سه نماینده‌ی از حزب سوسیال دموکرات، دو تن از نمایندگان پارلمان از حزب مودرات‌ها، سه نماینده پارلمان از حزب دموکرات‌های سوئد، یک نماینده‌ی پارلمان از حزب مرکز، یک نماینده‌ی پارلمان از حزب چپ، دو نماینده‌ی پارلمان از حزب لیبرال، دو نماینده‌ی فدراسیون کوردها و طیفی از اشخاص سیاسی کورد و ایرانی در این نشست حضور داشتند.

مصطفی هجری:

از شما می‌خواهم سیمای امروزمین و مدنی خیزش‌مان را حفظ کنید

"پیام مصطفی هجری، مسؤل مرکز اداری حزب دموکرات کردستان ایران"

از این قیام را به جهان نشان دهد. از شما می‌خواهم که سیمای امروزمین و متمدنانه‌ی قیام‌مان را حفظ کنید. به دام افرادی که از دور و در پیچ‌ها، فیس‌بوک و بطور کلی شبکه‌های اجتماعی شما را تحریک می‌کنند، نیفتید. مصلحت و منفعت انقلاب ما در پیشبرد آن به شیوه‌ی آرام نهفته است. باید انتظار داشته باشیم که این تظاهرات مدت درازی تداوم داشته باشد. بیاد داشته باشید که انقلاب ما باید با انقلاب سراسری خلقهای ایران همگام باشد. نه عقب بمانیم و نه آنقدر جلو برویم که متحمل خسارات زیادی گردیم. ما می‌خواهیم در ادامه‌ی این قیام اولاً هزینه‌ی جانی کمتری متحمل شویم، ثانیاً از کردستان حراست نماییم، کردستان ملک ماست، خانه‌ی ماست و در هر شرایطی باید از آن محافظت کنیم.

اتحاد و یکپارچگی توده‌های مردم کردستان را همچون مردمک چشم حفظ نماییم. همچنین اتحادی که میان مردم سراسر ایران ایجاد گشته را قدر دانسته و تقویت نماییم. پیروزی ما در گرو اتحاد ما است. نکته‌ی دیگری که مایلم به آن اشاره نمایم آن است که تداوم قیام کردستان و ایران موجب

نگاه



نسبتاً جدید در حقوق بین الملل است .

مفهوم "مصونیت سران دولتها و مقامات دولتی" از اوائل قرن بیستم تاکنون تحول شگرفی به خود دیده است.

روند تحولات از قرارداد ورسای(۱۹۱۹) تاکنون که در اساسنامه‌های دادگاههای نورنبرگ، توکیو، یوگوسلاوی سابق، دادگاه روئاندا، دادگاه ویژه سرالئون، اساسنامه‌های ویژه‌ای به خود دیده‌اند و روند تکاملی داشته‌اند.

با وجود حجم بالای کشتار توسط سران رژیم ایران از همان ابتدای روی کار آمدن و تصاحب قدرت، که تا به امروز ادامه داشته و به نظر می‌رسد ابعاد وسیع‌تری به خود بگیرد. در فردای آزادی ایران محاکمه سران و مافیای حکومتی ایران چندین سال دادگاههای کیفری بین المللی و داخلی را به خود مشغول خواهد کرد .

اما مبحث اصلی این بحث محاکمه سران رژیم ایران نیست، بلکه یادداشتی کوتاه است در مورد این روزهای ایران و کردستان و چالش جاش در کردستان .

در کردستان مزدوران حکومتی را (جاش) خطاب می‌کنند. کلمه‌ای پر معنا و وزن. سنگینی این کلمه مانند پتکی است که هر باره بر سر مزدوران فرود می آید .

واژه جاش را می‌توان واژه‌ای فلکلوریک دانست که به معنای انسان خود فروخته است. در تاریخ مبارزاتی کوردها جاشها خدمات فراوانی به دشمنان کوردها کرده‌اند که این شامل تمامی بخشهای کردستان می‌باشد، گاهی هم با احزاب کورد همکاری کرده‌اند و باعث شکست دشمن شده‌اند که می‌توان به همکاری آنها با اتحادیه میهنی کردستان در بازپس گیری کرکوک اشاه کرد .

پرسش اصلی این است که سیستم سیاسی در کردستان بعد از جمهوری اسلامی چه تعاملی با جاشها می‌کند؟ شاید اکنون هیچ کس جواب این پرسش را نداند و یا جرات پرداختن به آن را نداشته باشد .

اکنون در این برحه تاریخی، در کف خیابان، در خط میان مبارزان مردمی و نیروهای سرکوبگر نفرت موج می‌زند. هر روزه شاهد برخوردهای بسیار خشن از سوی نیروهای لباس شخصی و نیروهای سرکوبگر هستیم و هر روز شاهد شهید

۱۵ آبان ۱۴۰۱ _ ۶ نوامبر ۲۰۲۲

شماره ۸۳۴

کوردستان

آن گشته است که بر اساس گزارش‌هایی که به دست من می‌رسد، بخشی از افراد مسلح ترک نیروهای رژیم به نافرمانی روی آورده و در مقابل خیزشهای مردم در شهرها سنگر نمی‌گیرند. این پدیده به تدریج در صفوف ارتش نیز مشاهده می‌شود. اینان قابل تجلیل بوده و باید از آنان استقبال کرد. در همین رابطه مایلم به حمایت بی‌چون و چرای خواهران و برادران ترک‌مان در آذربایجان اشاره کنم. ما صدای هزاران مبارز ترک در تبریز را که شعار "کردستان، کردستان، چشم و چراغ ایران" را سرمی‌دادند، شنیدیم.

ما این پیام را به عنوان پیام دوستی و همبستگی و همدردی با خلق ترک در آذربایجان و همه‌ی ایران تلقی می‌کنیم. در تاریخ معاصر ما نقاط بسیار مشخص و درخشنده‌ای از همزیستی وجود دارد، اکنون نیز که ما دوش به دوش و هم‌پیمان با آنها علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران مبارزه می‌کنیم؛ مایلم پس از این رژیم، چه آنهایی که در شهرها و روستاها در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و چه آنانی که در همسایگی همدیگر هستیم، این هم‌پیمانی را محترم شمرده شده و زندگی بهتری را برای مردم خویش فراهم

شدن مبارزانی هستیم که به دست همین عناصر جان‌شان را از دست می‌دهند .

این تنفر در ذهن عمومی جامعه روز به روز گسترش پیدا می‌کند. صف بندی‌های خیابان در ایران امروز را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد:

یکم؛ مردمی به ستوه آمده از ظلم و جور سیستمی قرون وسطایی که جان‌شان به لب رسیده و در برابر شدیدترین سرکوبها ایستاده‌اند و انگار چیزی برای از دست دادن ندارند. اما اگر در کف خیابان سرمان را بلند کنیم در بالکن خانه‌ها مردمانی را می‌بینیم که نظاره گر آنچه در خیابان اتفاق می افتند، هستند. پاشنه اشیل و بالانس قدرت بین مردم ناراضی و رژیم حاکم همین دسته از جامعه هستند که نارضایتی ذهنیشان هنوز تبدیل به کنش و عمل نشده . تاریخ انقلابهای معاصرشان داده هر جنبش اجتماعی که بتواند سه و نیم تا پنج درصد مردم را به خیابان بیاورد توانایی به ثمر رساندن انقلاب را دارد . بدون شک در ایران امروز یک ابر جنبش شکل گرفته که بر گرفته ازتمام جریانات و خواسته‌های ملی دموکراتیک و طیفهای مختلف جامعه است. از روزی که فرقه‌ای تبهکار تحت عنوان رژیم جمهوری اسلامی روی کار آمد تا به امروز مافیایی چند صد نفره برگرفته از یقه سفیدهای حکومتی و کت و شلوار پوش و اخوندهای حکومتی. اینان مافیایی هستند که جامعه ایران را قیضه کرده‌اند و اکنون با دیدن شکسته شدن تابوهایی که برای جامعه ساخته‌اند مواجه شده‌اند و با هر روش ممکن سرکوب مردم را در پیش گرفته‌اند. اگر بخواییم انقلابی دیگر در ایران به وقوع بپیوندد. دو نکته حائز اهمیت است . پیوستن هرچه بیشتر بالکون نشینان و تماشاچی‌ها به مردم کف خیابان و شکل گیری تظاهرات میلیونی در شهرهای بزرگ و دوم ریزش نیروهای سرکوبگر درمرکز ایران و همینطور روی گردانی جاشها از رژیم در پیرامون و علی الخصوص در کردستان و سیستان و بلوچستان و خوزستان .

برای رسیدن به این هدف نیازمند تلاش برای رسیدن به همگرایی اجتماعی و قرار دادی اجتماعی هستیم که جاشها هم خودشان را در جامعه پسا رژیم ایران در سلامت ببینند .

پیوستن جاشها به انقلابیون در فرایند انقلاب رخ می‌دهد. به نظر می‌رسد با تداوم شورش مردم شاهد این اتفاق باشیم .اکنون می‌توان به جرات گفت که حال و هوای انقلاب سراسر ایران را فراگرفته است و هر روز بر صف انقلابیون اضافه می‌شود و دور نیست زمانی که شاهد خیزش میلیونی مردم در شهرهای بزرگ باشیم .اکنون در مرحله قبل از خیزش میلیونی شاهد تضاهرات مردم به هر نحو ممکن هستیم، تضاهرات با محوریت محله‌ها بیشترین تاثیر را داشته که نیروهای سرکوبگر را غافلگیر می‌کنند، هرچند این جنگی نابرابر بین گلوله و خون است. اما در نهایت این نیروهای سرکوبگر هستند که فرسوده می‌شوند. البته شایان ذکر است که رژیم ایران با بیست و یک ابر بحران روبروست که عامل همگرایی و توافق طیفهای مختلف جامعه است. در این برحه از زمان نقش احزاب کورد در مدیریت و سکانداری هوشیاری جمعی امری بسیارسازنده در هدایت جامعه به مسیر درست است.

آنچه که در این زمان بیش از هرچیز دیگری ضروری است جذب اقشار و طیفهای مختلف جامعه و همگرایی

شماره ۸۳۴

کوردستان

۱۵ آبان ۱۴۰۱ _ ۶ نوامبر ۲۰۲۲

سازیم. دوران فعلی، عصر زندگی صلح آمیز و متمدنانه است. ما این پیام دوستی را از شما دریافت کردیم و اکنون نیز از شما عزیزان و نیز همه‌ی مردم بپاخاسته‌ی شهرهای ایران می‌خواهیم که با تظاهرات بدور از خشونت از خواهران و برادران خود در کردستان به ویژه شهرهای مهاباد، بوکان، سنندج و دیگر شهرها که آماج حملات رژیم جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته‌اند، حمایت کنید ما به اتفاق یکدیگر و دوش به دوش هم رژیم جمهوری اسلامی ایران را کنار خواهیم زد و دست در دست همدیگر ایران را آزاد و آباد خواهیم کرد.

در خاتمه یکبار دیگر به مردم کردستان به ویژه خانواده‌ی شما تسلیت می‌گویم. آرزومندم جراحات صدها تن از مبارزان خیابانها هرچه زودتر التیام یافته و به عرصه‌ی مبارزه بازگردند. پیروزی آر آن ماست و جمهوری اسلامی محکوم به شکست است.

زنده و پیروز باشید برای آزادی ایران و خلقهای ایران.

مصطفی هجری
۶ آبان ۱۴۰۱ خورشیدی

بیشتر در برابر دستگاه سرکوب رژیم ایران است. که نیازمند مدیریت بحران کارآمد وتاثیر گذاری مثبت از هر نوع بر انسجام بیشتر مردم ناراضی است. برای پیش بردن مسیر انقلاب و تعامل با جاشها نیازمند حفظ تعادل در دو مفهوم بخشش و انتقام هستیم. اما اگر از دیدگاهی معرفی به این بحران نگاه کنیم اکنون زمان انتقام است اما بعد از پیروزی چاره‌ای جز بخشش نداریم. دلیل انتقام اکنون و بخشش فردا در این است که اگر امروز انتقام نگیریم فردایی وجود نخواهد داشت که ببخشیم. هر روز با صحنه‌های دلخراش از مردمی مواجه می‌شویم که بر مزار عزیزانشان زجه می‌کشند، چه کسی فرزندانمان را می‌کشد؟ این جاشها هستند که نه برای تفکر و نه برای اعتقادی مذهبی فرزندان و جوانان هم زبان و هم ریشه خود را می‌کشند چون کشتن، شکنجه و گروگانگیری جزو وظایف سازمانی آنهاست و برای این کار تربیت شده‌اند. چه کسی می‌تواند در برابر کشته شدن عزیزانش آرام بگیرد و واکنشی نداشته باشد؟ انتقام از خشم سرچشمه می‌گیرد احساسی که این روزها در کردستان و ایران موج می‌زند و این خشم است که ترس را از بین می‌برد. چیزی که نیروهای سرکوبگر ندارند. مردم خشمگین اند و نیروهای سرکوبگر ترسیده‌اند و در آخر ترس آنها را وادار به شکست می‌کند .

اما گذشت چرا؟

در طول چهل و چند سال گذشته رژیمی بر سر کار بوده که تجربه تمامی حکومتهای مستبد تاریخ را در سر دارد و از هیچ تلاشی برای سرکوب مردم و ادامه حیاتش کوتاهی نکرده. به هر طریق ممکن سعی در جذب توده‌های مردم و شکل دهی بسیج عمومی داشته، که بارزترین مشخصه رژیمهای مستبد هم همین است. پس از گذشت چهار دهه از تلاش برای گرد آوری توده‌های مردم از همه اقشار جامعه توده‌هایی از انواع جیره خورها به وجود آمده که از رانتهای حکومتی استفاده می‌کنند و در باز تولید این بسیج عمومی نقش بسزای داشته اند. متأسفانه بخشی از جامعه به دلایل مختلف این راه ننگین را انتخاب کرده‌اند و در فردای رفتن رژیم ایران با انبوه این جیره خوارها چه باید کرد؟ در این مورد دو نمونه برجسته هستند. نمونه شکست آلمان نازی و برخوردهای قهر آمیز با مزدوران نظام هیتلری که تا دهه‌ها به شکافهای عمیق اجتماعی آلمان تداوم بخشید و نمونه آفریقای جنوبی با پیروزی "نلسون ماندلا"

پس ازشکست و برچیده شدن رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی، نلسون ماندلا که خود بارزترین نمونه قربانی بیرحمی و شکنجه سرکوبگران رژیم آپارتاید بود، برای جلوگیری از عمیق‌تر شدن تنفر درجامعه عفو عمومی اعلام کرد و این تصمیم نقطه پایانی بود بر همه منازعات در آن کشور و باعث پیشرفت سریع آفریقای جنوبی شد .

دراخر آنچه که اکنون حائز اهمیت است همگرایی در برابر رژیم مستبد و حيله‌گر جمهوری اسلامی و سعی در به پیش بردن شورش علیه آن است تا روزی که به آزادی برسیم، آزادی آنقدر شیرین است که همه تلخیها را از بین می‌برد .

با سرنگونی جمهوری اسلامی نظم امنیتی نوینی در ایران ایجاد می‌شود؟



آرمان حسینی

پس از فروپاشی نظام شاهنشاهی در ایران و به تاراج بردن انقلاب ۵۷ توسط آیت‌الله خمینی و پیروانش و تحمیل خود و افکارشان بر جغرافیا و جامعه ایران، تحولاتی جدی در سیاست داخلی و امنیتی ایران ایجاد شد. البته این نکته را هم باید مدنظر داشت که سیاست رژیم شاه نیز دست کمی از خمینی نداشت، اما در این نوشته تمرکز بر رژیم خمینی است. به این معنا که استراتژی رژیم تازه به قدرت رسیده بر اساس قانون اساسی‌اش که از بنیادگرایی اسلامی خمینی نشأت گرفته بود، همه را در پوشش "امت اسلام" تعریف کرده بود و لاغیر. طبق چنین تعریفی همه جزو امت اسلام‌اند و باید تابع قوانین آن نیز باشند. اما در مقابل، اندیشه‌ی آزادیخواهی و ملی‌گرایی کوردها، بلوچ‌ها، عرب‌ها و سایر ملیت‌ها و نیز سایر تنوعات دینی و جنسیتی وجود داشت که در گفتمان اسلامی خمینی هیچ جایگاهی نداشتند و عملاً رژیم تازه به قدرت رسیده درصدد اضمحلال همه غیر خودی‌ها بود که البته با مقاومت پیگیرانه این تنوعات و به اصطلاح غیر خودی‌ها روبه‌رو شد.

امنیت، خواه فردی، ملی یا بین‌المللی که رابطه‌ی تنگانی با حقوق، صلح و آزادی دارد، جزو اهم موضوعاتی است که انسان با آن درگیر بوده و بسیاری از متفکران نیز بر این باورند که امنیت نیازی از نیازهای اساسی بشر و مطلوب دیرینه و دغدغه همیشگی او بوده است. بدون امنیت، امکان برآورده سازی سایر نیازهای انسانی مشکل و سخت است و با آن زمینه شکوفایی استعدادهای انسانی مهیا می‌شود. که این طور می‌توان آن را در شمار مهمترین نیازهای اجتماعی آورد و در کنار مفاهیمی حیاتی همچون عدالت و آزادی قرار داد. درمتون اسلامی نیزامنیت ازبزرگترین وگواراترین نعمتهای الهی است که همه مردم به آن نیاز دارند و بدون آن، هیچ یک از داراییها و نعمتهای زندگی گوارا و قابل استفاده نیست. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی مقصود از ثبات ملی و داخلی کشور، وحدت، یکپارچگی و همبستگی ملی است بدین صورت که کلیه افراد ملت خود را در سرنوشت کشور دخیل می‌دانند و برای پیشرفت کشور نیز تلاش می‌کنند. انشقاق و جدایی در بین افراد ملت در بسیاری از کشورها باعث شده است تا اقتدار کشور به عنوان یک واحد قدرتمند شکسته شود و در بسیاری از موارد تبدیل به کشورهای ذرهای، فاقد اهمیت و جایگاه در جهان شوند. پیداست که قانون اساسی جمهوری اسلامی تاکید بر ملت ایران دارد و افکار خمینی نیز امت اسلامی، دو مفهومی که در فلسفه خمینی کاملاً ضد هم‌اند، اما برای گسترش حوزه نفوذ و حاکمیت خود برای مصرف داخلی از ملت ایران و برای خارج از ایران نیز دم از امت اسلامی می‌زنند. حالا بر می‌گردیم به داخل جغرافیای ایران و به مسئله امنیت مردم ایران می‌پردازیم. با توجه به تعریف رژیم و در راس آن خمینی و خامنه‌ای از امنیت داخلی، زمانی یک کورد، بلوچ و ... احساس امنیت خواهند کرد که کاملاً هویت خود را فراموش و انکار کرده و به بخشی از هویت جعلی تحمیل شده مبدل شوند. چراکه طبق همین قانون و اساس رژیم حتی مطرح کردن چه برسد به مبارزه و فعالیت برای هویت ملی و انتبکی خود تلاشی برای اخلال در امنیت و نظم عمومی جامعه و امنیت ملی حساب شده و همچنان که تاکنون نیز شاهدش هستیم با اتهاماتی همچون تجزیه طلب، تروریست، وابسته بیگانگان و ... روبه‌رو و مورد شکنجه و در بسیاری موارد نیز اعدام و حتی قتل عام می‌شویم. روشن است که با چنین قوانین و ذهنیتی که متأسفانه بر بسیاری از مرکزگرایان سایه افکنده نمی‌توان امنیتی را برای ملل و دیگر تنوعات جنسیتی و آیینی متصور شد. طبیعتاً باید به فکر راهکاری بود که هم بتواند امنیت همه افراد جامعه ایران با همه تنوعات ملی، جنسیتی و آیینی را به رسمیت بشناسد و هم حقوق آنان که امنیت نیز بخشی از آن است را پیگیرانه تامین کند. لب کلام، هر زمان که افراد جامعه ایران اعم از کورد، بلوچ، عرب، فارس، ترک، لر و ... همزمان با حفظ هویت و عدم سانسور خود در ایران و به ویژه پایتخت آن هنگامی که نیروهای نظامی و امنیتی را دیدند در کنارشان احساس امنیت و آسایش کردند آن وقت می‌توان ادعا کرد که ایران سرزمینی برای همه و مامنی برای زیستن است.

ایالت یا منطقه‌ای تقسیم می‌شود، تمام قدرت در مرکز متمرکز نمی‌شود احتمال ظهور دیکتاتور حتی به صفر می‌رسد. مسئله حائز اهمیت تر این موضوع است که در همین سیستمهای فدرالی تمام آن آزادیهای فردی و حقوق شهروندی نیز مد نظر و وجود دارد چون پایبندی به دموکراسی و حقوق بشر به معنای واقعی وجود دارد.

اما نکته جای تأمل و نگرانی این است که بیشتر اشخاص و گروهایی اپوزیسیون ایرانی خارج، بر دموکراسی مخصوص خود و حقوق شهروندی تاکید و پافشاری می‌کنند، و هر پروژه و یا هر برنامه‌ای به غیر از این را بر نمی‌تابند و آنرا تلاش برای تجزیه قلمداد می‌کنند.

چون اساساً آنها خود محوری و تمرکز قدرت در مرکز را راه حلی برای آسميله کردن ملیتهای غیر خودی و اگر هم نشد همانند رژیمهای پیشین دست به کشتار و نسل کشی بدهند.

شارل دوگل اولین رئیس جمهور فرانسه چنین میگوید: دوگل یک نظامی بود و از زمان جنگ جهانی دوم از نزدیک شاهد شیوه عملکرد سیاستمداران بود. او به این باور رسیده بود که سیاستمداران همیشه از یک سری الگوهای سنتی برای اداره کشور تبعیت می‌کنند و همین امر سبب ضعف کشور می‌شود که نمونه آن شکست فرانسه از آلمان نازی بود. او به این باور رسیده بود که اگر فردی خارج از دنیای سیاست وارد میدان شود، به علت وسعت دید می‌تواند نتیجه بهتری بگیرد. اما رویدادهای مه ۱۹۶۸ فرانسه به او نشان داد که هر زمان که افراد خارجی سعی در ورود به سیاست کنند یا دوام چندانی ندارند یا خودشان یک سیاستمدار کلیشه‌ای می‌شوند. دوگل در سال ۱۹۶۹ استعفا داد؛ اما برعکس بسیاری از رهبران جهان خانواده او پس از مرگش وضع مالی مناسبی نداشتند. در همین دوران بود که دوگل این جمله معروف خود را بیان کرد.

متأسفانه ایران هم غیر سیاسیون و سیاستمداران کلیشه‌ای و سنتی را بارها تجربه کرده است و هرکدام از اینها منجر به دیکتاتوری و استبداد شده اند.

مطلبی که باید مرکزگرایان به آن واقف باشند این است که ملت کورد برای دفاع از خود و سرزمینش از تمام شیوه‌های مشروع استفاده خواهد کرد، همانگونه که در تاریخ شاهد آن بوده‌اید در کوهستان، در دشت، در تپه ها، در شهر و روستاها جنگیدیم و خواهیم جنگید تا رسیدن به حق و حقوقمان.

تقلیل دادن خوسته‌های ملل تحت ستم ایران به آزادیهای فردی و حقوق شهروندی نتیجه‌ای جز جنگ و خونریزی و نآرامی و هدر دادن بودجه‌ی مملکت و همچنین کتار گذاشتن پتانسیلی که این ملتها دارند برای پیشرفت، آبادانی... در پی نخواهد داشت.

اشخاص و یا گروهایی که دم از تمامیت ارضی و یکپارچگی می‌زنند، اگر واقعا به این گفته‌های خود باورمند هستند، باید این سیستم فدرالی را به ملل تحت ستم ایرانی پیشنهاد می‌کردند که از رو اجبار به فکر جدای و استقلال نیفتند.

به امید اینکه بتوانند باردیگر تاریخ را تجربه نکنند و به فکر ایرانی با سیستمی غیر متمرکز، پیشرفته و نمونه‌ای برای کشورهای منطقه باشند.

آیا ملل تحت ستم ایران خواهان حقوق شهروندی هستند؟

آن حق حاکمیت، مطابق قانون اساسی بین یک قدرت حکومت مرکزی و واحدهای سیاسی تشکیل دهنده آن (مانند ایالت‌ها یا استان‌ها) تقسیم شده‌است. فدرالیسم، نظامی بر مبنای قواعد دموکراسی و نهاده‌ها و سازمان‌هایی است که در آن‌ها قدرت اداره کشور، بین حکومت‌های ملی و ایالتی یا استانی تقسیم شده‌است و آنچه که اغلب فدراسیون نامیده می‌شود را ایجاد می‌کند و طرفداران آن "فدرالیست" نامیده می‌شوند. از این رو، همکاری و اتحاد گروه‌ها و واحدهای گوناگون در راستای تشکیل واحدهای بزرگتر برای تأمین اهداف مشترک را "فدرالیسم" گویند فدرالیسم در شکل کلاسیک آن نوعی تمرکزگرایی سیاسی محسوب می‌شود که از بهم پیوستن واحدها یا کشورهای مجزا و مستقل برای تشکیل یک واحد سیاسی یا کشور جدید است.

بر اساس پیشنهاد برخی، سیستم حکومتی فدرالی پیوسته، برای جلب رضایت ایالت‌ها، ملتها و اقلیت‌های استقلال طلب جهت آسان‌سازی شکل‌گیری کشوری جدید یا پایداری و جلوگیری از تجزیه عرضه گردیده است.

در کانادا فدرالیسم نوعاً در مقابله با جنبش‌های جدایی طلب اعمال می‌شود. دولت‌های آرژانتین، برزیل، استرالیا، هند و مکزیک نیز در میان سایر کشورها بر اساس اصول فدرالیسم اداره و سازمان دهی شده‌اند.

یک کشور فدرال ممکن است تنها شامل دو یا سه بخش داخلی باشد، همانند بلژیک یا بوسنی و هرزه گوین. عموماً دو حالت افراطی در فدرالیسم می‌تواند مورد تمایز قرار گیرد. در یک حالت، دولت فدرال بسیار قوی است و اغلب کاملاً یکپارچه است و تنها چند قدرت خاص برای دولت‌های محلی در نظر گرفته شده است ولی در دیگر حالت افراطی، دولت ملی با قدرت‌های محدود ممکن است تنها در اسم دولت فدرال باشد در حالی که در واقع یک کنفدراسیون باشد.

در سال ۱۹۹۹ دولت کانادا، مجمع فدراسیون را به عنوان یک شبکه بین‌المللی برای تبادل بهترین کارکردهای فدرالیسم بین کشورهای فدرال و کشورهایی که در حال فدرالی شدن هستند بنیان نهاد. مقر اصلی مجمع فدراسین در اتاوا است. دولت‌های همکار در مجمع فدراسیون شامل، استرالیا، برزیل، کانادا، اتیوپی، آلمان، هند، مکزیک، نیجریه و سوئیس هستند.

با توجه به این موضوعاتی که در بالا ذکر شد، حال می‌دانیم هرکدام دارای چه ویژگیهایی هستند. و به احتمال بسیار زیادی متوجه شده‌ایم که با توجه به درک واقعبینانه‌ی کشور ایران که دارای ویژگیهایی منحصر به خود هست با وجود تکثر ملیتی، فرهنگی، زبانی، تاریخی، جغرافیایی، دینی و مذهبی که دارد، و همچنین تاریخ خونینی که در این کشور برای رهایی از یوغ ستم ملی، جنسیتی، دینی و مذهبی که دارد، نمیتون انکار و به سادگی از آن گذشت.

همانگونه که به آن اشاره کردیم در آزادیهای فردی و حقوق شهروندی احتمال ظهور دیکتاتور مخصوصاً در ایران بسیار زیاد است. و هیچ گارانتی وجود ندارد که فرد یا گروهی از این کشور به دیکتاتور دیگری تبدیل نشوند.

اما در فدرالیسم چون قدرت در میان



آیت روحانی

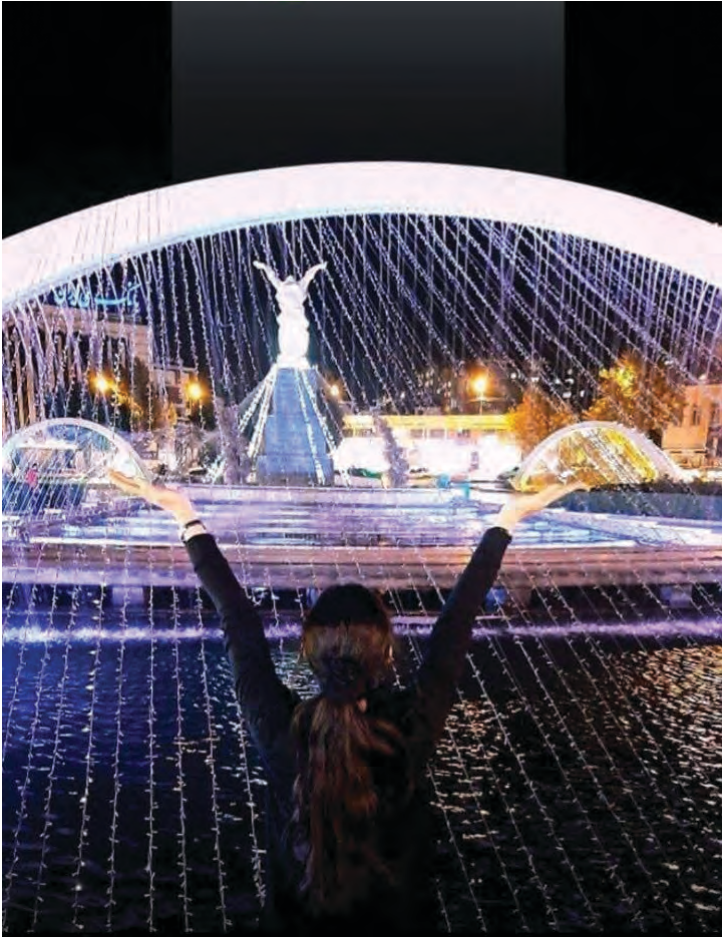
امـــــروزه اغلب افراد در محیط‌های شهری زندگی می‌کنند و آنچه مسلم است این است که در فضای زندگی شهری رفع نیازها از طریق تعاملات متقابل افراد با یکدیگر صورت می‌پذیرد. لذا آنچه در روند این نوع زندگی ضروری به نظر می‌رسد، قاعده‌مند ساختن روابط افراد در جامعه‌ی شهری به جهت جلوگیری از هرج‌ومرج و بی‌ثباتی در جامعه است. شهروندی را قالب پیشرفته "شهرنشینی" می‌دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهرنشینان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذاشته و به مسئولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به "شهروند" ارتقاء می‌یابند.

شهروندی تا پیش از این در حوزه اجتماعی شهری بررسی می‌شد اما پس از آن شهروندی مفاهیم خود را به ایالت و کشور گسترش داده‌است، اگرچه امروزه بسیاری به شهروندی جهانی نیز می‌اندیشند. شهروندی امروزه کاربردها و معانی و برداشتهای مختلفی دارد.

تعریف حقوق شهروندی به طور کلی حقوق شهروندی را می‌توان به مجموعه قواعد حاکم بر روابط اشخاص در جامعه‌ی شهری تعریف نمود. حقوق شهروندی جز حقوق ذاتی و فطری انسان‌ها است. همچنین این حقوق غیر قابل انتقال و تجزیه‌ناپذیر است، به این صورت که عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگرند. حال این حقوق شهروندی به چه افرادی تعلق می‌گیرد؟

یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یادآور می‌شود که در قانون پیش‌بینی و تدوین شده است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می‌توان به عنوان مهم‌ترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است. درواقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده، مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، "حقوق شهروندی" اطلاق می‌شود.

فدرالیسم از ریشه لاتین فوئدوس (به لاتین: foedus) یا foederation به معنای اتحاد یا قرارداد یا توافق و پیمان، یک مفهوم سیاسی است که در آن گروهی از واحدها (ایالات، استان‌ها، کشورها و...) به یکدیگر متعهد شده‌اند و به نمایندگی از آنها یک حکومت مرکزی وجود دارد. اصطلاح فدرالیسم همچنین برای توصیف یک سیستم حکومتی به کار می‌رود که در



سنه(سندج)؛ ابر قلب قیام



شهرها به‌عنوان یک پدیده‌ای مدرن در بافت سیاسی و اجتماعی یک واحد جغرافیایی جایگاه ویژه‌ای دارند و در روند توسعه‌ی اقتصادی و ایجاد روابط با واحدهای دیگر در بعد داخلی و بین‌المللی ایفای نقش می‌کنند. علیرغم این، شهرها در روند تغییر و تحولات جامعه و سازماندهی و شکل دهی آنها نیز بصورت داینامیک ایفای نقش خواهند کرد. از منظر سیاسی شهرها متشکل از نهادها و تشکلهای گوناگونی هستند که در تبادل و تاثیرگذاری، در روابط میان ملت‌ها و دولت‌ها نقش کلیدی دارند. در چهارچوب یک واحد جغرافیایی، شهرها به میزان رشد و توسعه اقتصادی، به میزان رشد و توسعه‌ی فرهنگی و هنری، به میزان پویایی و تحول خواهی در آن واحد جغرافیایی دیده می‌شوند و از این طریق بر دیگر شهرها اثرگذار و یا از آنها تاثیرپذیز هستند. در جنبشهای سیاسی و اعتراضات مردمی، شهرها از نقش کلیدی برخوردار هستند و در شکل دهی به نتیجه رساندن اعتراضات نقش سرنوشت‌سازی را ایفا می‌کنند. از این منظر، با در نظر گرفتن چند الگوی مبارزاتی و مقاومتی، به نقش شهر سنه (سندج) در برپایی و گسترش قیام ژینا خواهیم پرداخت. از نقطه‌ی شروع قیام ژینا تاکنون، شهر

سنه (سندج) بدون هیچ وقفه‌ای روزانه میدان مقاومت در برابر سرکوب شدید نیروهای حکومت بوده و تاثیر این مقاومت فراتر از مرزهای سنه و شهرهای کوردستان بوده است.

در نبرد استالینگراد (۱۲ سپتامبر ۱۹۴۲ – ۲ فوریه ۱۹۴۳) که به یکی از طولانی‌ترین نبردهای تاریخ شهرت دارد، مقاومت این شهر در مقابل یورش ارتش آلمان (برای سلطه بر این شهر و کرانه‌ی رود ولگا) و در نهایت ضد حمله‌ی ارتش روسیه و محاصره‌ی نیروهای آلمان، این نبرد را به یکی از سرنوشت‌سازترین نبردهای جنگ جهانی دوم بدل ساخت و در نتیجه هم معادلات پایان جنگ را تحت شعاع خود قرار داد و نیروهای آلمان نازی متحمل شکست سنگینی شدند. این نبرد، استالینگراد را به نماد مقاومت علیه آلمان نازی به رهبری آدلف هیتلر تبدیل کرد، علیرغم خونین بودن آن، در نهایت نیروهای هیتلر را در هم کوبید و معادلات جنگ را در جبهه شرقی جنگ جهانی دوم به نفع ارتش سرخ تغییر داد.

در سپتامبر ۲۰۱۴ نیروهای داعش با حمله به شهر کوبانی در روزاوا‌ی کوردستان، این شهر را به محاصره‌ی خود درآوردند. در جریان این نبرد بیش از چهارصد هزار نفر به آنسوی مرزها آواره شدند. علیرغم حملات و خونین و مرگبار داعش، نیروهای کورد که در درون شهر محاصره بودند، تسلیم مرگ و حملات وحشیگرانه‌ی نیروهای داعش نشدند و با مقاومتی سرسختانه دوباره زیستن را انتخاب کردند. این مقاومت سرسختانه‌ی، باعث جلب توجه افکار عمومی جهانیان و فشار برای حمایت از مقامت کوبانی و آزادسازی این شهر از محاصره نیروهای داعش شد. در نهایت با حمایت نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا و ارتش آزاد سوریه و نیروهای پیشمرگه حکومت اقلیم کوردستان - عراق، در اواخر ژانویه ۲۰۱۵ محاصره شهر شکسته شد و کوبانی آزاد شد. در واقع این مقامت باعث شد که ورق جنگ به نفع نیروهای YPG برگردد و کوبانی به‌عنوان نماد مقاومت در برابر بربریت داعش در قرن بیست و یکم نزد جهانیان شناخته شود. در بعدی وسیعتر، بعد از آغاز حمله‌ی روسیه در اواخر فوریه‌ی ۲۰۲۲ به اوکراین، اکثر تحلیلی‌ها بر این بود که اوکراین در برابر تهاجم چند جانبه‌ی نیروهای روسیه توان مقاومت را ندارد و حتی آمریکا از رئیس جمهور این کشور خواست که کشور را ترک کند. در واقع، ولادمیر زلنسکی، با ماندن کنار مردم اوکراین به نماد شجاعت و قلب مقاومت این کشور علیه حملات روسیه بدل گشت. این مقاومت و ماندگاری، باعث ایجاد اتحاد در داخل اوکراین علیه روسیه و جلب حمایت‌های بین‌المللی شد. از این رو، اوکراین نه تنها زیر سلطه‌ی روسیه نرفت، بلکه به باتلاقی برای ارتش روسیه بدل گشته و تاکنون هزینه‌های سنگینی را روی دوش روسیه گذاشته است. از سوی دیگر هم، به نماد مقاومت تمام اروپا علیه زیاده‌خواهی و فشارهای روسیه تبدیل شده و جامعه‌ی جهانی از آن حمایت می‌کنند.

بعد از مرگ ژینا امینی در روز ۲۵ شهریور (۱۶ سپتامبر۲۰۲۲)، تظاهرات علیه مرگ وی و نقش نیروهای امنیتی در جانباختن ژینا، در روز ۲۶ شهریور از شهر سنه آغاز شد. در مدت زمانی کوتاهی این تظاهرات به دیگر شهرهای کوردستان همچون سقر، بوکان، مه‌باد و سایر شهرهای ایران رسید و به یک قیام سراسری علیه ۴۳ سال حاکمیت نظام جمهوری اسلامی بدل گشت. در طول هفته‌های گذشته، در بیش از ۱۲۰ شهر ایران به صورت متمادی و پراکننده مردم به خیابان‌ها آمده‌اند و خواستار سرنگونی حاکمیت جمهوری اسلامی شده‌اند.

در این میان نقش شهر سنه از چند جهت اهمیت بیشتری دارد و این شهر عملا نقش کلیدی را در این قیام بر عهده گرفته است. نخست، سنه به‌عنوان نقطه‌ی شروع تظاهرات در طول ۵۰ روز گذشته به صورت متمادی، صحنه‌ی رویارویی میان مردم و نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بوده است. دوم، سنه به نقطه‌ی تکثیر و گسترش تظاهرات علیه جمهوری اسلامی بدل گشت است. به‌گونه‌ای که با اوجگیری تظاهرات و درگیری میان مردم و نیروهای سرکوبگر حکومت، تظاهرات و به خیابان آمدن مردم در دیگر شهرهای کوردستان و ایران اوج گرفته است. تظاهرات‌های روز ۱۶ مهر و چهارشنبه‌ی گذشته مصداق این ادعا هستند. سوم، در شهر سنه، تظاهرات در انحصار گروه سیاسی خاصی و یا

انقلاب، دمکراسی و بن‌بست استبداد

توتالیتاریسم سختی که با ابزار قدرت و سرکوب و ایدئولوژی بسته، تمامی قدرت را در مرکز و کنترل گروهی خاص قبضه نموده و جوهر انسان و فرد ایرانی را به فراسوی نابودی برده بود. انقلاب علیه این سیستم توتالیتر هم‌اکنون در جریان است و بر آن است که انقلاب به دمکراسی ختم شود.

تمامی گروه‌ها و کنشگران سیاسی و انقلابی، امروزه از واژه دمکراسی سخن می‌گویند، ولی کالبدشکافی و بررسی این نوع دمکراسی مورد انکار و مماشات قرار می‌گیرد. آنچه که در این نوشتار بر آنیم به آن پاسخ دهیم این است که : آیا دمکراسی می‌تواند همان آزادی باشد؟ آیا تنها با انتخابات و رأی گیری آزاد که وعده آن داده می‌شود می‌توان آزادی را برای همه به ارمغان آورد؟

چنانچه استبداد دینی جمهوری اسلامی و ساختاری دیکتاتور برای آزادی خطرناک است، استبداد اکثریت تحت هر عنوانی نیز می‌تواند برای آن خطرناک باشد و تاریخ هیتلر را که از طریق انتخابات به قدرت رسید، در دل خود ثبت کرده است. دمکراسی مدنظر برای آینده ایران نباید هم وزن این تعریف بنیامین فرانکلین باشد، فرانکلین می‌گوید: "دمکراسی (دمکراسی انتخاباتی) یعنی از دو گرگ ویک بره بخواهیم رأی بدهند که برای ناهار چه بخورند." بدون شک گرگ اکثریت، بره اقلیت را برای صرف ناهار خود انتخاب خواهد کرد.

طراحی و پیشنهاد هر ساختاری برای آینده ایران باید این اصل را مد نظر قرار دهد که توتالیتاریسم نرم حاصل از استبداد اکثریت نتیجه رشد و تمرکز بی‌وقفه قدرت یک دولت متمرکز است و برای پرهیز از بازگشت توتالیتاریسم، دیکتاتوری و هر ساختارغیر

طبقه‌ی خاصی نیست، بلکه تمام اقشار و طیفهای که ساختار این شهر تشکیل می‌دهند در این قیام حضور گسترده‌ای دارند.

از دانشجویان و محصلین گرفته تا کارگران و بازاریان، از معلمین و پرستاران و پزشکان گرفته تا بخشی از کارمندان شماری از نهادهای دولتی، از محله‌های حاشیه‌ای و فقیرنشین تا مرکز شهر و محلات بالا شهر در این خیزش سرتاسری مشارکت فعال دارند. البته نباید فراموش کرد حضور نسل جوان، در پیشروی و رادیکالیزه‌تر کردن تظاهرات، در تمام شهرها پررنگتر و چشمگیرتر است. این ویژگی‌ها نقش محور بودن سنه در قیام اخیر را بر جسته کرده است و اکنون به یک نماد و الگوی مبارزاتی علیه جمهوری اسلامی در کوردستان و ایران تبدیل شده است.

پیش زمینه‌ی این نقش محوری سنه، فراتر از آغاز قیام ژیناست. از همان روزهای آغازین سرکار آمدن جمهور اسلامی، شهر سنه مقاومت خونین ۲۴ روزه سال ۱۳۵۸ را در کارنامه‌ی مبارزاتی خود علیه این نظام دارد. شهرت و محبوبیت سنه در عرصه‌ی موسیقی، هنر و فرهنگ فراتر از مرزهای کوردستان و ایران است و از یک جایگاه بین‌الملی برخوردار است.

در عرصه‌ی فکر و اندیشه نیز، سنه کانون اصلی مباحثات فکری و گفتمانی در کوردستان بوده است. این کانون در بیش از دو دهه‌ی گذشته، عملا مسیر تحول‌خواهی و ترقی‌خواهی شهرهای کوردستان را در میان جریانهای فکری به‌سوی نواندیشی هدایت کرده است. در عرصه‌ی مبارزات سیاسی جنبش ملی مردم وکردستان، سنه در قالب یک شهر پویا و متنوع، سکان‌گذار از یک جنبش لوکال به‌سوی یک جنبش سراسری و ملی در شهرهای کوردستان را در دست داشت و موتور متحرکه‌ی جنبش حق‌طلبانه‌ی مردم کوردستان بوده و هست.

این ویژگی‌ها، باعث شده که سنه در قالب یک شهر پویا در بافت سیاسی و اجتماعی کوردستان به‌عنوان یک واحد جغرافیایی وسیع نقش محوری را ایفا کند. از این رو، با در نظر گرفتن گوناگونیهای ساختاری و جمعیتی سنه و نقش و حضور آنها در رویدادهای درون جامعه، این شهر به نقطه‌ی اتصال طیفهای مختلف فکری و سیاسی در کوردستان تبدیل شده است. بنابراین، سنه کانون به هم رسیدن طیفهای مختلف درون مبارزات مردم کوردستان در شهرهای مختلف علیه حاکمیت جمهوری اسلامی بوده است. بنابراین، میزان رشد و توسعه‌ی فعالیتهای سیاسی، فرهنگی، هنری و... در شهر سنه در دیگر شهرهای کوردستان تاثیر گذار بوده و بازتاب داشته است.

در قیام اخیر، از نقطه‌ی شروع تاکنون، شهر سنه کانون توجه و تکثیر تظاهرات بوده و خیزش مردم در سراسر شهرهای کوردستان و ایران را تحت شعاع قرار داده است. نقش محوری این روزهای سنه، کمتر نیست از نقش مقاومت استالینگراد در جنگ جهانی دوم برای روسیه در برابر نیروهای آلمان نازی و کمتر نیست از نقش محوری کوبانی در مقاومت روزاوا در برابر توحش نیروهای داعش. همانگونه که مردم اوکراین، با مقاومت شجاعانه‌ی خود، تهاجم ارتش روسیه را ناکام گذاشتند، امروز سنه نیز به نماد و قلب مقاومت قیام ژینا در مقابل توحش یکی از "قویترین ساختارهای سرکوب" در جهان تبدیل شده است.

وجه تمایز میان سنه و نبردهای استالینگراد، کوبانی و مقاومت اوکراین در این که کوبانی و استالینگراد و اوکراین از سوی یک ارتش یا نیروی خارج از مرزهای خود مورد تهاجم و محاصره قرار گرفتند، ولی این در مورد سنه کاملا بر عکس است و مردم این شهر بیش از ۵۰ روز است که مورد حملات و شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در داخل قرار گرفته‌اند و جوانان این شهر با دستهای خالی در برابر این بربریت ایستاده‌اند و مقاومت می‌کنند.

رویارویی جوانان و مردم مقاوم سنه در هفته‌های گذشته علیه نیروهای سرکوبگر رژیم، این شهر را به آبر قلب قیام سراسری مردم شهرهای کوردستان و دیگر شهرهای ایران بدل ساخته و مقاومت و مبارزه مردم سنه در برابر دستگاه سرکوب رژیم، بر آینده خیزش و تظاهرات در سایر شهرها تاثیرگذار خواهد بود. در واقع دستگاه سرکوب حکومت در کنترل مقاومت مردم سنه ناتوان و ازکار افتاده است، بدون شک ادامه این روند، ساختار سرکوب حکومت را در شهرهای دیگر نیز فلج خواهد کرد.



خصوصت و یا خشونت باشد . یک گروه اقلیت ملی در هر جامعه‌ای در مقایسه با جمعیت اکثریت، در وضعیت آسیب‌پذیری قرار داشته و دارد و تضمین حقوق آن‌ها یک امتیاز محسوب نمی‌شود، بلکه به نوعی تضمینی قانونی برای احترام یکسان برای تمامی اعضای جامعه و رساندن همه اعضاء به حداقل سطح برابری در اعمال حقوق انسانی و اساسی است.

نمی‌توان همزمان هم از دمکراسی سخن گفت و هم تکثرگرایی آن را نادیده گرفت، سرنگونی رژیم پیش نیاز و اولویت اساسی هر اقدام و کنش سیاسی و انقلابی در داخل و خارج ایران برای هر ایرانی است ولی باید یادمان باشد که هر نوع گرایش سیاسی که در صدد تحمیل افکار خود و نفی و انکار دیگران باشد، انقلاب را به بن بست استبداد هدایت خواهد کرد و انقلاب نمی‌تواند چشم اندازهایی که برای آن خون ریخته می‌شود را به ارمغان آورد.

نفی هر گونه استبدادی، سراسر ایران را گلگون کرده است.

کثرت گرایی وجه بارز دمکراسی است، هویت خواهی و مطالبه گرپی ملی ملت‌های غیرفارس در ایران به نوعی اصل و پایه ثبات دمکراسی است که قرار است ایران فردا بر روی آن بنا نهاده شود. یک جامعه کثرت گرا و دمکراتیک واقعی نه تنها باید به هویت ملی، فرهنگی، دینی یک اقلیت ملی احترام بگذارد، بلکه باید شرایط مناسبی را برای ابراز، حفظ و توسعه این هویت نیز ایجاد کند. هر نوع ساختار سیاسی با برجسب دمکراتیک اگر تأمین حقوق ملت‌های تحت ستم بر اساس مواد و متمم‌های جهانی حقوق بشر را در خود نگنجاند، به نوعی در صدد باز تولید استبداد اکثریت یا همان توتالیتاریسم نرم است. یک ساختار دمکراتیک باید در پی محافظت از اعضای گروه اقلیت در برابر تبعیض، همسان‌سازی،

دانشکده‌های من



رضا دانشجو

ماکسیم گورکی نویسنده انقلابی شهیر و بنیانگذار رئالیسم اجتماعی در ادبیات روسیه است، او یکی از تاثیرگذارترین نویسندگان تاریخ ادبیات نه تنها در روسیه بلکه در جهان است. نگاه عمیق و نقادانه گورکی به لایه‌های زیرین جامعه و در واقع آنچه زیر پوست شهر اتفاق می‌افتد از او و کتابهایش تصویری کاملا باورپذیر ارائه می‌کند. صرفنظر از مکتب فکری او که ریشه در سوسیالیسم کارگری و مبارزات طبقه فرودست

علیه روسیه تحت حاکمیت تزارها دارد، نوشته‌های گورکی برگردانی از واقعیاتهای

جامعه و به نوعی زندگی در خود جریان وقایع است.

" دانشکده‌های من" اثری از ماکسیم گورکی است که حاصل تجربیات سال‌های

جوانی اوست ، در این کتاب گورکی جوان که به امید تحصیل در دانشگاه راهی"

قازان" می شود ، به خاطر شرایط اقتصادی تحصیل را نیمه کاره رها می‌کند و به

ناچار به کار و زندگی کارگری تن درمی‌دهد. آنچه گورکی در طی این سالیان در

ارتباط با آدم‌های مختلف و در موقعیتهای مختلف می‌آموزد در نگاه گورکی جوان

بزرگ‌ترین دانشگاه است. در واقع او این‌بار به دور از رویه‌های مرسوم یادگیری

در دانشگاه، بی واسطه و مستقیم در حال یادگیری از طریق تجربه انسانی است؛

این‌بار ابزار یادگیری نسخه کپی شده از رویدادهای جامعه نیست، بلکه یادگیری از

طریق لمس حقیقت‌های موجود در کف خیابان‌ها است. به عنوان نمونه در روایت

فقر و تنگدستی خانواده‌ای که در ابتدای ورود به قازان با آنها زندگی می‌کند،گورکی

می‌نویسد: "پیرزن مجبور بود معده فرزندان خود را که هر صبح بدون هیچ تفکری

از او نان می خواستند فریب دهد، طبیعی است هر تکه نانی که از این خانواده

نصیب من می‌هشد مثل تکه سنگی در معده‌ام سنگینی می‌کرد. برای همین هر

صبح زود به بهانه یافتن کار از خانه بیرون می‌آمدم تا صبحانه را با آنها شریک

نشوم."!!!!

آری گورکی خوب فهمیده بود گاهی حقیقت را نه در کتابها و نه در دانشگاه‌ها،

بلکه بی واسطه می‌توان کف خیابان‌ها یافت، بعضی وقت‌ها مطالعات اجتماعی و

جامعه شناسی ناتوان از فهم آنچه رخ می دهد فقط به چند عدد و رقم یا فرضیه

احتمالی ختم می‌شوند. گاهی سیر تحولات آنقدر سریع پیش می‌رود که فرصتی

برای تحلیل و آنالیز آکادمیک نمی‌گذارد.گاهی خیابان خود دانشگاه است. انقلاب

ژئنا که با قتل حکومتی دخترکی پاک و معصوم آغاز شد اینک نه تنها جغرافیای

ایران، بلکه جهان را درگیر کرده است.

انقلابی که صاحبانش آنقدر متنوع و گسترده‌اند که برای فهم آن به جز کف

خیابان‌ها جای دیگری نمی‌توان رفت. انقلاب ژئنا، انقلاب رنگ‌ها و تفاوت‌هاست.

انقلاب درد و رنج‌هاست که سال‌ها حکومت دیکتاتوری ولایت فقیه بر مردم تحمیل

کرده است. درد و رنج‌هایی که آنقدر بزرگ شده‌اند که از دختر پانزده شانزده ساله

منتقد سیاسی ساخته‌اند، دخترکانی که حالا از حق انتخاب پوشش می‌گویند، از

فساد و از تبعیض !!! برای واکاوی انقلاب ژئنا نه خواندن فلسفه سیاسی "هانا

آرنت" کمک می‌کند نه دیدگاه‌های انقلابی "کارل مارکس" به درد نمی‌خورد. برای

فهمیدن انقلاب ژئنا، باید حرف‌های دانش آموزان مدرسه را شنید، باید به بغض‌های

چندین ساله کارگران" نیشکر هفت تپه" گوش فرا داد. برای تحلیل ترس نیازی به

نظریه‌های روانشناسی "شوپنهاور" نیست، باید از آت‌هایی که آگاهانه سمت گلوله

می‌روند، معنای ترس را پرسید. درد و رنج را با تعلیم مسیح نمی‌توان توجیه کرد،

باید از مادر ژئنا پرسید معنای درد رنج را، از مادر حدیث و سارینا، از "مادران آبان"

و همه مادرانی که لاله‌هایشان پرپر شدند.

دیگر خواندن بیانیه‌ای فمینیستی توسط یک جمع چندنفری در روز زن پاسخ

حقیقت این روزها نیست، حالا دخترکان عصر ارتباطات از طریق شنیدن و دیدن،

به جای گفتن عمل می‌کنند آنها آگاهانه به جنگ همه هنجارهای دستوری رژیم

ولایت فقیه رفته اند، شاید حتی اسم "کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان" را

نشنیده باشند، آنها تبعیض را زندگی کرده‌اند. نسل جسوری که یادگرفته است به

جای گفتن باید عمل کرد، با زبان دیگر با دیکتاتور سخن باید گفت. آری انقلاب

ژئنا یک دانشگاه تمام عیار است. دانشگاهی که در آن آگاهی در انحصار یک

جریان خاص سیاسی یا فکری نیست بلکه به شکل گسترده‌ای در تمامی تاروپود

جامعه تکثیر شده است. برعکس تبلیغات موسوم رژیم ولایت فقیه آنچه این قشر

آگاه شده به دنبال آن است بازتعریف زن به عنوان یک اهرم تعالی جامعه صرفنظر

از نگاه جنسیتی است.

اینجا می‌شود هرروز منتظر یک حرکت جدید بود یک نوآوری، آری هر روز

می‌توان سلاخی برای نبرد علیه دیکتاتور یافت. این مردم راه مبارزه با دیکتاتور

را به عدد درد و رنج و تبعیض سالیان یافته اند. اینجا زن جنس مخالف نیست،

اینجا زن سخنگوی برابری است. اینجا زندگی با همه سختی و دشواری‌هایش

ادامه دارد، آزادی یک مفهوم فلسفی یا سیاسی نیست، آزادی امتداد زن و زندگی

است سه گانه‌ای برای رهایی و کنار هم بودن. اینجا خیابان نیست اینجا دانشگاه

است محلی برای یادگیری و درک حقیقت ...



شمشیر و نعل هر دو از آهن‌اند اما این کجا و آن کجا

آشکار و پنهانی رژیم ایران خود موجب افزایش سرکوب‌ها می‌گردد. به نمونه‌ای آشکار بپردازیم "هزاد رحیمی" به‌نام نماینده سقز و بانه ابتدا برای فریبکاری به مجلس ترجیم ژئنا امینی رفت بعد از اینکه از مهره‌های اطلاعاتی و هیات همراهش به بیرون رانده شدند بعد از چند روز در جلسه علنی مجلس رژیم ایران اعلام کرد؛ خونی که در رگ ماست هدیه به رهبر ماست. مورد دیگر جلال محمودزاده به‌نام نماینده مردم مهاباد است این مهره رژیم در مجلس سمت نمایندگی رژیم را دارد طی تماس تلفنی به عموی اسماعیل (سمکو) مولودی، یکی از شهیدان ۴ آبان ماه در شهر مهاباد فشار آورده که علیه یکی از احزاب کورد به عنوان عامل قتل پسرشان شکایت کنند.

این دو نمونه کاتالیزری برای جاش‌ها می‌باشد که آنا به سرکوب خود البته کشتار مردم ادامه دهند. اگر احزاب مخالف رژیم ایران اسامی این جاش‌ها را فاش کنند بدون شک آنان از لحاظ روحی شکست خواهند خورد. هیچ جاشی آنقدر شجاع نیست که بتواند علیه طعنه‌های مردم ایستادگی کنند اما عدم فاش ساختن هویت آنان این جرات را به آنان داده است که علیه ملت خود بایستند.

انقلابی که هم اکنون در خیابان‌ها جاریست نیاز به حماسه، منطق، آرزو، حرف شنوی از مردم، راهنمایی مردم، تحریک مردم و در یک کلام نیاز به تاکتیک دارد. اگر این تاکتیک نباشد سرکوب خشن‌تر خواهد شد و احزاب مخالف نیز از مردم خود دور خواهند شد.

احزاب مخالف رژیم ایران توانایی مبارزه دارند و باید اقدام مبارزاتی داشته باشند و حرف مردم را با گوش شنوا بشنوند مبارزه مدنی و مبارزه خونین هر دو به یک راه ختم می‌شود: "انقلاب" پس چه بهتر تلفیقی از این دو باشد بهتر است بگوییم شمشیر و نعل هر دو از آهن هستند اما این کجا و آن کجا!!!!

بر همه عیان است انقلاب به معنای تغییر بنیادین است اگر خواهان چنین تغییری هستیم باید با مردم خود باشیم و پیشرو آنان. بر همگان روشن است که رژیم ایران با مبارزات مدنی سرنگون نخواهد شد و اگر اساسا این رژیم به مبارزه مدنی اعتقاد داشت امروز احزاب مخالف ایران این روزی نبود. زنده یاد، دکتر عبدالرحمن قاسملو فرموده است: "این رژیم را از طریق انتخابات آزاد و یا نوشتن چند مقاله در خارج نمی شود سرنگون کرد. این رژیم را می‌بایست از طریق قهرآمیز سرنگون کرد، حالا این طریق قهرآمیز، قیام مسلحانه داخل شهرها خواهد بود و یا تلفیقی از مبارزه مسلحانه شهری با جنگ پارتیزانی".

عنوان کرده است باید سه شعار داشته باشد شعار روز، تاکتیک و آینده. چیزی که مسلم است شعار روز هست زن، زندگی، آزادی، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای و ولایت فقیه. آنچه احزاب مخالف حتی احزاب کورد ندارند شعار تاکتیک است. نبود تاکتیک به معنای این است هنوز تعریفی مشخص و چهارچوبی معین از اعتراضات نیست. دربرگرفتن تاکتیک نیز به معنای جنگ مسلحانه نیست بلکه تاکتیک به معنای پاسخ درخور به رفتار نیروهای رژیم تهران است. نیروهای رژیم تروریستی تهران در خیابان‌ها مستقیم به افراد مدنی شلیک می‌کنند و احزاب مخالف تاکنون با بیانه نگرانی خود را ابراز می‌دارند. این نوع اقدام متقابل که در برابر "ضرب گلوله"، "نگرانی" ابراز شود نشان از عدم شناخت پتانسیل خود و به طور اخص به کار نگرفتن تشکیلات مخفی است.

احزاب مخالف رژیم باید بدانند که: "همچنان که رژیم اسلامی ایران احزاب کورد مخالف خود را تهدید و گاهی آن را نیز عملی می‌کند، احزاب کورد نیز با توجه به پایگاه اجتماعی خود میان مردم نیز می‌توانند این رژیم را تهدید و حتی عملی کنند که مطمئنا جواب هم خواهد داد". تظاهرکنندگان با سنگ و چوب به گلوله پاسخ می‌دهند درخواست مردم از همه احزاب مخالف رژیم ایران این است که نیروهای خود را به میدان نیاورند بلکه کمک کنند. کمک کردن ابراز نگرانی و محکومیت نیست، بلکه رهنمودهای تظاهرات خیابانی است که چگونه به تظاهرات خود ادامه دهند بدون کمترین تلفات جانی و مادی. موضوع دیگر که قابل توجه است اکثر احزاب مخالف رژیم ایران به علت دوری چند دهه از خاک و میهن خود متأسفانه شناخت واقعی از جامعه خود ندارند. بدین شیوه که جامعه از لحاظ فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی. تمامی تفاسیر و تشریحات سران احزاب مخالف رژیم تهران در دهه ۵۰ و ۶۰ خورشیدی می‌چرخد. امروز آنانی که در کف خیابان‌ها نماد مقاومت و مبارزه هستند دهی ۸۰ و ۹۰ هستند خیری کم حتی از دهه ۶۰ دارند به این دلیل که جامعه بعد از ۳۰ سال که یک نسل محسوب می‌شود به مرحله‌ای دیگر رسیده است. مرحله تماما متفاوت. بی دلیل نیست که دکتر قاسملو می‌فرماید: "این نسل نه اما نسل بعدی رژیم را سرنگون خواهد کرد". نقطه دیگر قابل توجه این است که جاش، مزدوران و عوامل سر سپرده رژیم ایران نقش مهمی در سرکوب مردم دارند. خودداری از پخش اسامی آنان به عنوان یک مهره کارکردی برای رژیم تهران خود نوعی انفاق قایل شدن برای آنان است. عدم رسواسازی مهره‌های



جمال رسول دنخه

وقایعی که امروز در ایران و به ویژه در جغرافیای ملیت‌های ایران وجود دارد انبوه سیاسی است که رژیم اسلامی ایران طی چهاردهه قبل کاشته است و امروز ثمره آن به انقلابی دیگر رسیده است. انقلابی که حتما به وقوع خواهد پیوست. به قول مارکس انقلاب قطاری است که مدام در حال حرکت است. این انقلاب از آنجا نقطه تغییری بزرگی است که همه ملت‌های ایران اتحاد و همبستگی دارند. شعارهای کوردستان با شعارهای بلوچستان و بلوچستان با آذربایجان و آذربایجان به عربستان و در نهایت با مرکز و تهران یکپارچه شده است.

هنوز هم اختلافاتی وجود دارد البته که هست ولی مانع نیست. آنچه مهم می‌نماید سکوی خیابان‌هاست که نمایندگی می‌کند، مردم متحد هستند و بر تظاهرات خود مستمر هستند. آنچه می‌خواهم بگویم این است که نقش احزاب مخالف رژیم ایران در این تظاهرات چه بوده است اگر این سوال به همه‌پرسی گذاشته شود بیشتر مردم جواب منفی خواهند داد. صد البته که نویسنده این سطور نیز موافق کار و اعمال احزاب مخالف جمهوری اسلامی ایران نیست.

چرا به این موضوع پرداختیم از آن جهت که این مردم هستند در میدان جنگ هستند نه احزاب مخالف. و از آن رو که مردم خود کنترل میدان دارند به حق باید به آن گوش داد چه می‌خواهند و چرا؟

مردم خیابان که به پا خواسته‌اند افکار عمومی هستند، افکار عمومی همیشه نماد وجدان زنده جامعه خود هستند. در دموکراتیک ترین جوامع نیز همیشه خواست مردم مبنای عمومی دارد نه سیاست نخبگان. بیش از یک ماه که مردم در سرتاسر ایران در خیابان‌ها حضور دارند، خود را سازماندهی می‌کنند، فراخوان می‌دهند، اعتصاب می‌کنند، به فراخوان‌ها نیز جواب می‌دهند اما امروز باید اعتراف کنیم که این خود مردم هستند خود را منظم و منسجم کرده‌اند نه احزاب مخالف رژیم ایران!! اقدامات و رفتار همه احزاب مخالف رژیم ایران بیانیه و اطلاعیه‌ای با محتوای "نگرانی" و "محکومیت" بوده است. این سری اقدام برای روزهای نخستین بود نه امروز که قریب به ۲ ماه است اعتراضات ادامه دارد.

هر حزبی که خود را اپوزیسیون رژیم ایران

المانیتور: اپوزیسیون کورد ایران

خواستار توجه بایدن به مسئله کورداند



رژیم ایران است که اعضای علنی آن در کوردستان عراق مستقراند و برای تامین حقوق ملی – دموکراتیک کوردهای ایران در چهارچوب ایران مبارزه می‌کند و جمهوری اسلامی حزب دموکرات و دیگر احزاب کورد اپوزیسیون خود را متهم به سازماندهی اعتراضات ایران می‌کند.

"المانیتور" همچنین آورده سپاه پاسداران در تلافی، مقرات و مراکز حزب دموکرات کوردستان ایران را در اقلیم کوردستان مورد حمله موشکی و پهپادی قرار داد و در پی این حملات چند نفر کشته شده‌اند که یکی از آنان شهروند آمریکایی و از پیشمرگان حزب دموکرات بود.

به گزارش وب سایت "المانیتور"، "خالد عزیزی"، سخنگوی حزب دموکرات کوردستان ایران در سفر به آمریکا خواستار توجه دولت "بایدن" به مسئله کورد در ایران و از سرگیری روابطشان شد.

"المانیتور" در گزارش خود آورده که "عزیزی" در سفرش به آمریکا و در دیداری که با موسسه کورد در واشنگتن داشته است، به "المانیتور" گفته "متأسفانه ما هیچ ارتباطی با دولت "بایدن" نداریم و بایستی آمریکایی‌ها در سطحی روابطشان را با اپوزیسیون کورد ایران از سر بگیرند".

"عزیزی" همچنین تاکید کرد که آمریکا باید نوعی رابطه با مردم ایران داشته باشد و این رابطه باید از طریق این احزاب سیاسی انجام گیرد".

در گزارش "المانیتور" آمده که حزب دموکرات کوردستان ایران یکی از احزاب کورد اپوزیسیون

گفت‌وگو با دکتر آسو حسن‌زاده

آقای جاید رحمان با شناختی که از محدودیت‌ها و مکانیسم‌های فعلی هم دارد، پیشنهاد داده که جامعه‌ی بین‌الملل به صورت مؤثرتری، دست به اقدام زند. با راهکارهای جدیدی سعی کند بر جمهوری اسلامی فشار آورد. اینجا هدف دو تا است، یکی اینکه یک نشست اضطراری شورای حقوق‌بشر برگزار شود. به خاطر اینکه از اکنون تا اسفندماه آینده خیلی زمان است و حتما باید نشست شورای حقوق‌بشر صورت بگیرد. دیگری اینکه مخصوصا با توجه به اینکه چه در مورد قتل حکومتی ژینا امینی، جمهوری اسلامی از همان ابتدا روایت غلط و نادرست خودش را به صورت رسمی به مردم ایران و جهانیان ارائه داد و تحمیل کرد. بعدا همانطور که گفته شد، مرتکب جنایات بسیاری بر علیه معترضین به این قتل شد، باید یک کمیته‌ی تحقیقی ایجاد شود طبیعتا جمهوری اسلامی همکاری نخواهد کرد.

۱- دکتر اگر برای ما توضیح دهید اهمیت گزارش جاوید رحمان، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران در امروز و در شرایط فعلی در چی است؟

این گزارش که البته گزارش شفاهی بود و پیش زمینه‌ی خلاصه‌ی گزارش کتبی است که در ماه‌های آینده حتما تکمیل می‌شود و در نشست آینده شورای حقوق بشر باید ارائه شود از آن نظر حائز اهمیت است که، یک به لحاظ زمانی که همانگونه که می‌دانید، مصادف است با رویدادهای که ظرف یک ماه و نیم گذشته در ایران روی داده و نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی، در حاشیه و پاسخ به اعتراضات مردم شورش مشروع بخش‌های مختلف ایران مرتکب جنایت جدیدی شده‌اند. انعکاس این جنایت و پیشنهاداتی که در پاسخ به این جنایت سطح بین‌المللی و گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل متحد، می‌تواند ارائه دهد به عنوان بخش مهمی و حتی حساسی برای کارزارهای فشار بین‌المللی حائز اهمیت است. از طرفی دیگر اهمیت این گزارش در لحن و محتوایش است. با توجه با اینکه جمهوری اسلامی همانطور که آقای جاوید رحمان گفتند، خودش مرتکب این جنایات شده و با کارزارهای بین‌المللی هم در این زمینه همکاری نمی‌کند.

آقای جاید رحمان با شناختی که از محدودیت‌ها و مکانیسم‌های فعلی هم دارد، پیشنهاد داده که جامعه‌ی بین‌الملل به صورت مؤثرتری، دست به اقدام زند. با راهکارهای جدیدی سعی کند بر جمهوری اسلامی فشار آورد. اینجا هدف دو تا است، یکی اینکه یک نشست اضطراری شورای حقوق‌بشر برگزار شود. به خاطر اینکه از اکنون تا اسفندماه آینده خیلی زمان است و حتما باید نشست شورای حقوق‌بشر زودتر صورت بگیرد.

دیگری اینکه مخصوصا با توجه به اینکه چه در مورد قتل حکومتی ژینا امینی، جمهوری اسلامی از همان ابتدا روایت غلط و نادرست خودش را به صورت رسمی به مردم ایران و جهانیان



کیوان درودی

طبق اعلام خبرگزاری "الحدث"، بانک‌های لبنان از پرداخت وجوه حساب سپرده شهروندان خودداری می‌کنند. این وضعیت چنان که گزارش شده شامل تمامی بانک‌های لبنان است و بسیاری از شهروندان برای مخارج و هزینه‌های بیمارستان نیز، با مشکل برداشت نقدی روبه‌رو هستند؛ به طوری که در یک ماه گذشته ده‌ها مورد نزاع میان کارمندان بانک‌ها و سپرده‌گذاران روی داده و این معضل امکان یورش عمومی به بانک‌ها را تقویت می‌کند. تنها کشوری که وضعیت مشابه را تجربه می‌کند، ایران تحت تسلط جمهوری اسلامی است. سقف برداشت نقدی روزانه از بانک‌های ایران به ۲۰۰ هزار تومان در ۲۴ ساعت کاهش یافته و تنها امکان استفاده از کارت هوشمند برای نقل وانتقالات پولی وجود دارد، حره‌ای که گردش پولی را در درون نظام بانکی حفظ کرده است. چنان که به نظر می‌رسد، دو کشور در سرایشیی یک ورشکستگی قرار دارند و منشا این بحران نهایتا به دو سازمان تروریستی ختم می‌شود، سازمان سپاه پاسداران و سازمان حزب‌الله! گروه‌هایی که خارج از مجموعه موسسات ساختار رسمی و "قانونی" عمل می‌کنند و منابع مالی آنها عمدتا با برداشت پنهان از بودجه عمومی و تجارت غیرقانونی روانگردان‌ها و اسلحه تامین می‌شود.

اما شنیده‌ها حاکی از گسست و فاصله‌گیری این دو سازمان است و اخیرا، همزمان با قیام سراسری در ایران، گزارشاتی از نشست لبنان و اسرائیل برای حل مناقشات حوزه انرژی و سرزمینی انتشار یافته، این موضوع در هفته گذشته به یک توافق انجамید و حزب‌الله نیز به عنوان بخشی از این توافق مقید به اجرای مفاد آن - ازجمله عدم ایجاد تنش و نزاع در میادین گازی و نفتی شد.

از آنجایی که وضعیت پولی و بانکی لبنان، ناشی عدم ثبات سیاسی و شفافیت مالی

و نقش حزب‌الله در این میان، قابل انکار

نیست، گمان می‌رود این سازمان تصمیم به یک شیفت سیاسی گرفته باشد. جهشی که حتی اگر بنابه ادعای حسن نصرالله به مثابه تعهد نباشد، در سطح یک مفاهمه نیز، جای بحث دارد و الزاماتی عملی در پی خواهد داشت.

وضعیت حزب‌الله پس از انفجار ذخایر آمونیاک متعلق به این سازمان و فاجعه انسانی و زیست‌محیطی وسیعی که آفرید، به شدت متزلزل شده و این گروه حتی با تهدید قضات موفق به تبرئه عوامل خود از این پرونده نشد. از آن زمان افکار عمومی لبنان حساسیت ویژه‌ای روی عملکرد و مشی سیاسی این گروه نیابتی جمهوری اسلامی دارد. طبق برآورد وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، حدود ۷۰۰ میلیون دلار از هزینه سالانه حزب‌الله لبنان را جمهوری اسلامی تامین می‌کند که نزدیک به ۷۰ درصد کل درآمد آن ارزیابی می‌شود. اما این روند در صورت دستیابی لبنان به ذخایر گازی و نفتی در نزدیکی مرز آبی با اسرائیل دستخوش تحول خواهد شد. بدون شک در صورت عدم پایبندی این سازمان به توافق دولت لبنان و اسرائیل، بیش از پیش پایگاه اجتماعی خود را از دست خواهد داد و حتی در دورنمایی، با خطر جنگ داخلی مواجه می‌شود و هم‌اکنون یک اشتباه محاسباتی برای ورود به این قهقرا کافی به نظر می‌رسد.

چنان که به نظر می‌رسد، رژیم در پاسخگویی به توقعات توسعه ارضی افراطیون داخلی و خارجی سمپاط خود نیز، با شکست مواجه شده و بسیاری از آنان نسبت به برآوردهای ایدئولوژیکی قبیلی خود از توان سپاه پاسداران، با دیده اکراه می‌نگرند. با این حساب، آنچه بازوی سرکوب داخلی و جنگ‌افروزی منطقه‌ای رژیم به عنوان "اقتدار" یاد می‌کرد، با یک سد محکم روبه‌رو شده و برون‌رفت از آن با توجه به وضعیت متزلزل داخلی در یک‌ماهه گذشته، بعید به نظر می‌رسد. همچنین، گزینه فرار به جلو و برافرودتن جنگ نیز، همچون گذشته نتایج

چنان که به نظر می‌رسد، رژیم در پاسخگویی به توقعات توسعه ارضی افراطیون داخلی و خارجی سمپاط خود نیز، با شکست مواجه شده و بسیاری از آنان نسبت به برآوردهای ایدئولوژیکی قبیلی خود از توان سپاه پاسداران، با دیده اکراه می‌نگرند. با این حساب، آنچه بازوی سرکوب داخلی و جنگ‌افروزی منطقه‌ای رژیم به عنوان "اقتدار" یاد می‌کرد، با یک سد محکم روبه‌رو شده و برون‌رفت از آن با توجه به وضعیت متزلزل داخلی در یک‌ماهه گذشته، بعید به نظر می‌رسد. همچنین، گزینه فرار به جلو و برافرودتن جنگ نیز، همچون گذشته نتایج

چنان که به نظر می‌رسد، رژیم در پاسخگویی به توقعات توسعه ارضی افراطیون داخلی و خارجی سمپاط خود نیز، با شکست مواجه شده و بسیاری از آنان نسبت به برآوردهای ایدئولوژیکی قبیلی خود از توان سپاه پاسداران، با دیده اکراه می‌نگرند. با این حساب، آنچه بازوی سرکوب داخلی و جنگ‌افروزی منطقه‌ای رژیم به عنوان "اقتدار" یاد می‌کرد، با یک سد محکم روبه‌رو شده و برون‌رفت از آن با توجه به وضعیت متزلزل داخلی در یک‌ماهه گذشته، بعید به نظر می‌رسد. همچنین، گزینه فرار به جلو و برافرودتن جنگ نیز، همچون گذشته نتایج

اقداماتی که جامعه‌ی جهانی و یا قطب‌های از روابط بین‌الملل و سازمان‌های بین‌الملل که در توانشان هست که برای حفاظت از معترضین اقدام کنند. در واقع براساس مسئولیت حفاظت هم که خیلی سال است، تصویب شده اقدامات عملی صورت بگیرد.

۲- این گزارش می‌تواندچه پیامی را داشته باشد، برای معترضان کورد و سراسر ایران؟ پیام این گزارش شفاهی، آقای جاوید رحمان برای مردم ما در کوردستان، دیگر مناطق و سرزمین تحت ستم در ایران مخصوصا بلوچستان خیلی واضح است. اگر ۱۰ سال یا حتی ۵ سال پیش هم وقتی گزارشگر ویژه سازمان ملل در حوزه‌ی حقوق‌بشر برای ایران گزارش خود را ارائه می‌داد، ما میبایستی در محتوای این گزارش به دنبال یک سطر دو سطر باشیم که در آن حقوق کوردها و شرایطی که کوردها در ایران از آن رنج می‌برند، در سایه‌ی حاکمیت جمهوری اسلامی در این گزارش‌ها پیدا کنیم. اکنون دیگر این زمان به سر آمده به خاطر اینکه همانطور که در گزارش شفاهی گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل برای ایران هم متوجه شدیم، مسئله کوردستان و بلوچستان به درجه‌ی دوم نه فقط ذکر می‌شود بلکه یکی از محوره‌ای اصلی گزارش است. شاید بتوانم بگویم که این گزارش شفاهی گزارشگر ویژه، درخصوص کوردها بهترین و قوی‌ترین موردی بود که یک گزارشگر و کارشناس مستقل و معتبر سازمان ملل، در مورد کوردها ارائه داده این نتیجه‌ی کار مدام و پشتکار سازمان‌های حقوق‌بشری، چه در داخل کوردستان چه در داخل ایران هست که از آن‌ها قدردانی می‌کنم. در یک کلام می‌توان بگویم که معنی این گزارش و پیامش برای مردم کورد مخصوصا جوانانی که هم اکنون در خیابان‌های کوردستان ایران در مقابل نیروی سرکوب جمهوری اسلامی ایستادگی می‌کنند این است که بدانند، صدایشان شنیده می‌شود و تنها نیستند.

فرسایش ماشین جنگ افروزی تهران

سراشویی بی‌بازگشتی وارد خواهد شد.

از سویی دیگر، عقب‌نشینی لفظی امیرعبدالهیان، وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مقابل جمهوری آذربایجان حاکی از آن است که آنچه "خط قرمز تغییر مرزها" عنوان کرده بودند، چندان که وانمود کرده‌اند، سازش‌ناپذیر نیست. نشانه این عقب‌نشینی را می‌توان در لفاظی حسین اسامی، فرمانده سپاه پاسداران همزمان با برگزاری یک مانور در مرزهای آذربایجان و متعاقب آن، نام بردن از این مانور به عنوان یک رویه معمولی از طرف سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه رژیم، جُست. این مقام رسمی پس از انتقاد مقامات آذربایجانی در رابطه با تنش‌آفرینی مرزی، گفت: "مانور انجام‌شده از سوی کشورمان در مناطق مرزی شمال‌غرب یک موضوع حاکمیتی است و برای آرامش و ثبات کل منطقه انجام می‌شود".

جمهوری اسلامی در ابتدای جنگ قره باغ با صراحت از طرف آذربایجانی حمایت و مناطق مورد مناقشه این کشور با ارمنستان را "راضی اسلامی" توصیف کرد. پرواض است که جانبداری در قره‌باغ، از نظر سیاست خارجی توجیه‌پذیر نبود و جمهوری اسلامی از موضع ضعف، اصل بی‌طرفی در جنگ میان دو کشور مستقل را نقض کرده است. این ضعف اما، با قوت گرفتن انسداد کامل کریدور مرزی "زنکه زور" تبدیل به یک ابربحران برای رژیم شد و هم‌اکنون، ایران را در یک موقعیت انفعالی ژئوپولیتیک قرار داده است.

چنان که به نظر می‌رسد، رژیم در پاسخگویی به توقعات توسعه ارضی افراطیون داخلی و خارجی سمپاط خود نیز، با شکست مواجه شده و بسیاری از آنان نسبت به برآوردهای ایدئولوژیکی قبیلی خود از توان سپاه پاسداران، با دیده اکراه می‌نگرند.

با این حساب، آنچه بازوی سرکوب داخلی و جنگ‌افروزی منطقه‌ای رژیم به عنوان "اقتدار" یاد می‌کرد، با یک سد محکم روبه‌رو شده و برون‌رفت از آن با توجه به وضعیت متزلزل داخلی در یک‌ماهه گذشته، بعید به نظر می‌رسد. همچنین، گزینه فرار به جلو و برافرودتن جنگ نیز، همچون گذشته نتایج



۳- مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران، چطور می‌تواند از این گزارش برای رساندن پیام، خواست و حقوق ملت کورد و همه ایران به جامعه‌ی بین‌الملل و ایجاد یک لابی استفاده کند؟

متأسفانه مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران، با اینکه هنوز بهترین و مشرتوع‌ترین چهارچوب همکاری احزاب کوردستان ایران است. ظرفیت‌های بسیاری را در حوزه‌های مختلف مبارزه دارد ولی از کارزاری و یا راهکاری برخوردار نیست. هنوز بتواند در این حوزه عمل کند. همیشه گفته‌ام و امیدوارم سازوکارهای این مرکز، بیشتر گسترش پیدا کند و در حوزه‌های مختلف مخصوص در حوزه‌ی دیپلماسی و رسانه‌ای در سطح بین‌الملل و در این چهارچوب هم در زمینه‌ی پیگیری نقض حقوق‌بشر در کوردستان ایران فعال‌تر و مؤثرتر عمل کنیم. در هر صورت برای همگی ما چه در چهارچوب احزاب و چه در چهارچوب کلیه‌ی جامعه‌ی مدنی و سیاسی کوردستان ایران، در ارتباط با کارزارهای که در سطح ایرانی هم روبه جامعه‌ی بین‌المللی، در حال گسترش و شکل‌گیری می‌باشد، این یک فرصت است، می‌دانید اکنون نه فقط کلیه‌ی مسئله‌ی مردم ایران، در وضعیتی که قرار گرفته‌اند و در این ظرف این یک ماه و نیم به شدت دارند سرکوب می‌شوند به خاطر خواسته‌های بسیار ابتدادی و مشروعشان مورد توجه جهانیان قرار گرفته‌اند.

در این مسئله ملیت‌های تحت ستم در ایران مخصوصا، کوردستان اکنون بسیار دارد برجسته می‌شود. ما می‌توانیم و حتما باید این کار را انجام دهیم، از راهکارهای حقوقی معمولی سازمان‌های بین‌المللی مخصوصا سازمان ملل متحد استفاده کنیم، برای پیگیری نقض مسئله‌ی حقوق‌بشر و حتی جنایاتی که ظرف این چهار دهه و نیم جمهوری اسلامی در قبال مردم کوردستان مرتکب شده، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی. این خیلی مهم است و به لحاظ سیاسی هم می‌تواند توجه جهانیان را جلب کند برای خواسته‌های سیاسی مردم کوردستان و به افکار عمومی جهانیان برساند که ملت تحت ستمی در ایران است که با اینکه همیشه رویکردهای سازنده را در پیش گرفته در حوزه‌ی رفتار سیاسی چه احزاب و چه فعالین مدنی داخل کشور. ولی همیشه مورد سرکوب و تهاجم حاکمیت جمهوری اسلامی قرار گرفته و این می‌تواند مشروعیت ببخشد به پیشنهاداتی که در حوزه‌ی حفاظت برای موجودیت سیاسی یک ملت هم‌ی ما باید برای آن کوشش کنیم.



ضعف نهادن جمهوری اسلامی آن را تشدید کرده، متوجه خواهیم شد که مناسبات رژیم با گروه‌های نیابتی خود، دچار چندپاره‌گی منافع شده و احتمالا این امر به واگرایی جریانی آنچه "جبهه مقاومت" نامیده‌اند، منتهی می‌شود. ورای این معادلات، دخالت سپاه پاسداران در اوکراین که در مقام یک متحد راهبردی غرب نقش‌آفرینی می‌کند، فشارها علیه جمهوری اسلامی را افزایش داده و یک پانورامای تاریک با عواقب ناپیدا را پیش‌روی ترسیم می‌کند. تمامی این موارد نشان می‌دهد که ماشین جنگ‌افروزی خارجی، همانقدر دچار اصطکاک و استهلاک گشته که دستگاه سرکوب داخلی فرسوده شده است و تنها امید جمهوری اسلامی یک سازش پنهانی، مشابه نشست‌های پیشابرجامی عمان است. گزینه‌ای که غرب - حداقل در صورت تداوم روند کنونی در خیابان‌های داخل - اشتیاقی به استقبال از آن ندارد، اگرچه در کلیت خود منتفی به نظر نمی‌رسد.

قابل پیش‌بینی نخواهد داشت و ممکن است برخلاف هدف‌گذاری مطلوب که همانا بروز احساسات ملی‌گرایانه است، ورق را بازگرداند و فشار داخلی را علیه دستگاه سرکوب مضاعف کند. از دیگر سو، واکنش‌ها به حملات هوایی علیه کوردستان عراق نیز، نشان داد که این اقلیم با آنچه جمهوری اسلامی "منشا تهدید امنیت" می‌خواند، فرسنگ‌ها فاصله دارد و این ادعا نظر افکار عمومی داخلی، یک پروپاگاندا برای لاپوشانی بحران مشروعیت بیش نیست. چنانچه حملات مستقیم حوثی‌ها علیه تاسیسات نفتی عربستان را به عنوان گزینه آتی نظام برای فرار از بحران مفروض بداریم، دلایل کافی برای امکان کسب نتیجه از این اقدام هم وجود ندارد، خلاصه اینکه سعودیه و کشورهای عربی با جدیت در حال عملیاتی کردن سامانه پدافند یکپارچه هستند و آسمان خود را به روی اسرائیل یکی پس از دیگری می‌گشایند. چنانچه این برآورد را با نیاز شدید حوثی‌ها به برون‌رفت از بحران در نظر بگیریم که رو به

اطلاعیهی مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران در محکومیت کشتار معترضان بلوچ در شهر خاش



ناوه‌ندی هاوکاریی حیزبه‌کانی کوردستانی ئێران
Cooperation Center of Iranian Kurdistan's Political Parties.
مرکز همکاری احزاب کردستان ایران

**مردم مبارز و نستوه سیستان و بلوچستان!
هم‌میهنان مبارز!**

در حالی که جنبش نوین و اعتراضات خیابانی در سراسر ایران هشتمین هفته خود را سپری میکند و هر روز شماری بیشتر از همه اقشار مردم به این تظاهرات و اعتراضات می‌پیوندند، سرکوبگران رژیم بیش از پیش و وحشیانه‌تر اقدام به سرکوب مردم معترضی میکنند که با دست خالی و با شعار سرنگونی رژیم به خیابانها آمده‌اند.

دیروز در اعتراضات شهر خاش در سیستان و بلوچستان بر اثر تیراندازی مستقیم نیروهای سرکوبگر به تظاهرکنندگان متأسفانه شماری از مردم بیدفاع شهید و تعدادی نیز زخمی شدند.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران این جنایت جدید جمهوری اسلامی را به شدت محکوم کرده و مراتب تسلیت خود را به خانواده جانباختگان و مردم بلوچ ابراز داشته و امید بهبودی عاجل را برای افراد زخمی خواستار است. ما مردم کوردستان پشتیبانی مجدد خود را از اعتراضات مردمی در بلوچستان و سایر نواحی ایران اعلام داشته و بر این باوریم که جمهوری اسلامی ایران در واپسین روزهای عمر خود می باشد، به همین دلیل خواستار وسیعتر شدن اعتراضات مردمی در سراسر ایران تا سرنگونی رژیم می‌باشیم.

زنده باد همبستگی و اتحاد همه ملیتهای ایران!

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران!
مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران
۱۴ آبانماه ۱۴۰۱

اطلاعیه مرکز همکاری در رد برخی شایعه سازی‌های نامسئولانه

مردم مبارز، کنشگران سیاسی و دوستان!

در یک هفته اخیر شاهد بودیم که در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، بطور نامسئولانه و به عمد شایعاتی دایر بر نشستهای رهبران مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران با جریانات خاص اپوزیسیون دامن زده می‌شود.

ما ضمن رد همه این شایعات و محکوم نمودن این روشهای غیر سیاسی و غیر اخلاقی در فضای سیاسی کوردستان، اعلام میداریم: مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران از هیچ ارتباط و دیالوگی با اپوزیسیون برانداز جمهوری اسلامی ابایی ندارد. برعکس ما روشن می‌گوئیم که خواهان دیالوگ و همکاری با همه اپوزیسیون ایرانی در راستای ایجاد آلترناتیوی دمکراتیک، سکولار، خواهان عدم تمرکز و پلورالیست در ایران آتی، هستیم.

در همانحال بر حقوق مردم کوردستان پای می‌فشاریم و بر همبستگی و اتحاد کردستان با دیگر مردمان ایران، صراحتا تاکید می‌ورزیم. همچنین همگان میدانند و در این مدت نیز بیشتر نمایان شد که مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران مورد اعتماد عموم مردم کوردستان ایران می باشد و دارای اعتبار جدی در ایران نیز هست. طبیعی است که عناصر و جریاناتی تلاش نمایند از دامنه اعتبار و وسعت اعتماد به ما در میان مردم بکاهند، اما دیگر حناپشان رنگی نداشته و کردارشان جز زیان رساندن به خود و جنبش آزادیخواهانه مردم کوردستان بهره‌ای ندارد.

مرکز همکاری احزاب کوردستان ایران
۷ آبان ماه ۱۴۰۱ برابر با ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲

و سیاسی جامعه. اما امروز موج و گسلهای اجتماعی به شکل گسلهای دیگری بر طول و عرض اجتماعی تاثیر گذاشته و باعث حرکت و تکانهای آنان برای شناور شدن در بستر اجتماع شده اند. هر کدام از این گسلهها گروهی از نیروهای اجتماعی، هویتی، جنسی، سنی، مذهبی، طبقاتی و غیره را نمایندگی می کنند. از آنجا که این جنبش انقلابی با هویت و گفتمان اجتماعی ریشه در زندگی و کرامت انسانی به تاراج رفته توسط الگوی نظام دینی دارد میل به بنا کردن یک جامعه دموکراتیک و نوگرا دارد. جامعه‌ای با تاکید بر ارزشهای انسانی، اخلاقی و حقوق بشری متناسب با روح و روان یک انسان مدرن و دموکرات. تحقق این امر در مراحل مختلف بر محور نیروی انقلابی است که فضای ذهنی و میدان این نیروی انقلابی با ترکیب مختلف خالق و راوی انرژی انقلابی، بنا کننده ذهنهای نو برای زندگی است. در این مرز و بسپاری از مرزهای دیگر است که قرائت حکومتی جمهوری اسلامی از دین در تقابل با فهم و درک مردم از دین و زندگی قرار می‌گیرد. این تقابل در هیچ جبهه ای در اختیار رژیم نیست. فضا و افکار عمومی در اختیار نیروی معترض، شورش و مخالف است. تسلط بر این فضا از لحاظ ذهنی و عینی پتانسیل را برای مانور انرژی انقلابی مهیا کرده است. ریشه اعتراض وتداوم آن در حرکت انقلابی مستمر با بهره گرفتن از تنوع فرهنگی و هویتی، انرژی انقلابی را به مرحله می شود. این نیرو در مسیر و برای تغییر و نیز دفاع از ارزشها و خواستههای انقلابیون باید وارد فاز سرنگونی گردد. اساسا در مطالعه رفتار شناسی واجتماعی بر روی رفتارهای انقلابی به این مورد اشاره می کنند که نیروی انقلابی با توان و انرژی ویژه به فاز سرنگونی رژیم حاکم منتهی می شود و در مراحل بعدی این انرژی به پروسه‌های دفاع و ساختن از نظام ارزشی خود وارد می شود. اگر به صورت مشخص در رفتارهای اعتراض در مناطق مختلف توجه شود به روشنی مشخص است این رفتارها نموده‌های همان جهش انرژی انقلابی است که در صدد تغییر بنیادی است. در این مسیر هماهنگی‌های ذهنی و گستردگی مطالبات و تفاوت جنسی و هویتی این مطالبات با ارزشهای نظم حاکم به نوعی است که تمام راههای گفت‌وگو و تفاهم را بسته است. تفاوتها در جامعه بینی‌ها و ارزشهای اخلاقی و انسانی دو دیدگاه می‌باشد. این شکاف نگاه‌ها و عمق برداشت از مفاهیم در میان نظم متزلزل حاکم و نیروی اجتماعی خواهان تغییر و دگرگونی، خود به تشدید انرژی انقلابی کمک می‌کند. این تشدید انرژی در نمادها و نموده‌های گوناگون با بهره گرفتن از فضاهای سیاسی و اجتماعی، رژیم جمهوری اسلامی را دچار سردرگمی و پریشانی رفتاری در تقابل با انقلابیون کرده است. رژیم در وضعیتی قرار گرفته است که نمی تواند هیچ گونه دفاعی از گفتمان ایدئولوژیک و فقهی خود داشته باشد. اعتماد مابین قدرت و مردم بنا به دلایل بسیار زیاد در طی چند دهه از حاکمیت دینی از بین رفته است. در دوران جنبش انقلابی ژینا این موضوع اعتماد بین حاکمیت و قدرت به صورت بسیار شدید ضربه دیده است. ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که گفتار و رفتار نظم حاکم برای ایجاد مجدد اعتماد و نظم عمومی دوباره به ضرر خود عمل می کند. در این مسیر به یک سیکل ضرر دهنده برای حاکمیت تبدیل شده است. این مرحله‌ای است که در آن برای نیروهای درگیر در سیاست هیچ راه برگشتی برای هیچ کدام از آنها در عرصه سیاست موجود متصور نیست. چرا که انرژی و روح انقلابی که وارد فاز فعال و بیداری شده است به نوعی عمل می‌کند که یادآور عبور از ارزشها و مفاهیم رژیم موجود می باشد. وقتی مطالبات بعد از این همه سال انباشته شده باشند و به آنها پاسخ منطقی و مستدل داده نشده باشد. در پروسه سرکوب و تحقیر توسط نظم و گفتمان حاکم، همین مطالبات که از جنس معیشتی، صنفی، فرهنگی، حقوقی، اداری، مالی، اقتصادی، زیست محیطی، فساد و غیره بوده است در چنین فضایی از روح انقلابی تاثیر می‌گیرند و در یک پروسه خشم و عصبیان، کلیت نظام حاکم را به چالش می‌کشند. هر کدام از این خواستههای اجتماعی – سیاسی با متعلقات خود به موتور در حال حرکت جنبش انقلابی انرژی می‌رسانند. در بستر عمل ما شاهد گستردگی، هماهنگی، همخوانی، عمل و ابتکاری هستیم که با بهره گرفتن از شعار " زن، زندگی، آزادی " به صورت مشخص شاکله نظام فقهی، قضایی، گفتمانی و هویتی مذهبی را نشانه گرفته است. این گفتمان برای بقا و بنا کردن نظم خود و ارزشهای انسانی نهفته در آن نیاز به عبور کردن از جمهوری اسلامی ایران می باشد. اگر جمهوری اسلامی سقوط کند، که بی شک سقوط خواهد کرد. ولی روش و شیوه سقوط تا اندازه‌ای نامعلوم و قابل پیش بینی نیست. اما در هر صورت این گفتمان امروز، ایران جدیدی را بنا خواهد کرد که از ماهیت و هویت سنتی و تاریخی که ما از ایران داریم تفاوت خواهد داشت. مفاهیم و ارزشهایی بنا خواهند شد که در گفتمانهای حاکم بر این جغرافیای سیاسی سابقه نداشته است. سکولاریسم در سیاست و دولت و دیگر نهادهای اجتماعی به صورت پر رنگ بازتاب خواهد داشت. اقتدارگرایی در مفاهیم و ارزشهای ایدئولوژیک و کلان گفتمانها در عرصه مذهب و ایران گرایی از بین خواهد رفت. اگر چنانچه این رژیم دچار سقوط هم نشود بنا به هر دلیل، به دوران قبل از جنبش ژینای کوردی بر نخواهد گشت. ارزشها، مبانی حکومتی، مشروعیت فقهی و بنیادهای اقناع و پذیرش اجتماعی، سیاسی و هویتی آن از بین رفته و یا هر روز دچار ریزش تزلزل درونی خواهد شد. بازسازی وجه درونی و بیرونی برای آن ممکن نخواهد بود. اگر تصمیم به بقای خود هم داشته باشد ناچارا و ضرورتا به تغییر هویت و گفتمانی خود دست خواهد زد. در تداوم این بقای اجباری، ناخواسته و تحمیلی دیگه نمی‌توان آن را جمهوری اسلامی ایران تعریف کرد. دچار بی هویتی و عبور از خود خواهد شد. این وضعیت جمهوری اسلامی و پیروان اعتقادی آن را به تنش درونی، هویتی، گفتمانی و جنگ بقا و قدرت در درون خود خواهد کشاند.



مبارزه برای زندگی



پرویز جباری

جنبشی در ایران در جریان است که ریشه در هویت، تاریخ و تلاشهای مبارزاتی مردمان جغرافیای ایران برای آزادی،عدالت و پیشرفت دارد. این هویتها در میان مردم، نیروهای سیاسی، ملیتها و گروههای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره را در بر می گیرد. نیروها در بیرون از ایران و پیشاهنگی زنان و جوانان در داخل، میراث‌دار و نماینده تجربه‌ها، سوابق و مسیر های طی شده را دارند که امروز در برابر تمام تهدیدها، فتنه‌ها، فشارها، بازیهای کثیف و نقشه‌های جمهوری اسلامی برای ایجاد اختلاف و به انحراف بردن جنبش انقلابی مردم، کماکان موفق بوده و حاکمیت در بیشتر زمینه‌ها ناکام و ناموفق بوده است. ما با جامعه‌ای سرکوب شده روبرو هستیم که خفقان و استبداد دینی با چهره خشن و بد طینت خود، تمام لایه‌های آن را دربر گرفته است. جمهوری اسلامی در پی سالها حاکمیت ایدئولوژیک براین مردم و این خاک توانست با بهره گرفتن از آموزه‌های ایدئولوژیک خود از اسلام و یک قرائت فاشیستی از مذهب، سیاست و قدرت، تباهی و سیاهی را به لایه‌های حیات اجتماعی و زیستی جامعه تسری دهد. خشم، نفرت، کینه، تحقیر و تبعیض را در جامعه برای اهداف خود و در راستای تداوم حاکمیت و قدرت مذهبی به کار بگیرد. نتایج و خروجی این شیوه از حاکمیت دینی که با روح و فلسفه آموزشی، اخلاقی و اجتماعی دین در تعارض می‌باشد. گرفتن زندگی و کرامت از مردم و از بین بردن پایه‌های احساس اجتماعی از انسان برای زندگی، امنیت، آرامش و امید برای امروز و فردا در ایران بوده است. این جنبش که با موتورهای قوی و پر توانی چون زنان، جوانان ، دانشجویان و هویتهای ملی و اجتماعی آغاز شده و در حرکت است، آمده است تا زندگی به تاراج رفته مردم را دوباره پس بگیرد. این همان جدال و مبارزه انسان است در ایران برای زندگی، زندگی به گروگان گرفته شده از سوی فقیهان سیاسی. مردم آمده‌اند تا با فریادی نو، گفتار و کلامی تاثیر گذار و ماندگار که می‌تواند خود تعریف جدیدی از مناسبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در جامعه بنا کند، زندگی به تاراج رفته و هویتهای به گروگان گرفته شده توسط دستگاه مذهبی را بازپس بگیرند.

ویژگی، نشانه‌ها، رفتارهای معترضین را وقتی رصد می کنیم با هویت و عنصرانرژی انقلابی روبرو می شویم. اساسا انقلاب در سنت تاریخی خود حامل اندیشه، گفتمان نوین، فلسفه اجتماعی و سیاسی برای حرکت جامعه می باشد. جنبشهای انقلابی دارای خروجی آشفشانی از انرژی و توانی هستند که مراحل مختلف انقلاب را به پیش می‌برند. ما امروز با این ویژگی از جنبش انقلابی در ایران روبرو هستیم. نیروهای اجتماعی با تاکید بر تجربه مبارزاتی به روشنی و با تدبیر، شاهد بهره گرفتن از این انرژی و توان انقلابی هستند. نیروی انقلابی با تاثیر از گفتمان دموکراتیک که ریشه در شعارها و گفتار سیاسی – اجتماعی امروز جامعه دارد در ابعاد و جبهه‌های مختلف شاهد بهره گرفتن از نیروی تحول خواه برای تغییر، دگرگونی، آفرینش، ساختن و بنا کردن نظم نوین است. دقیقا وقتی این انرژی نیروی انقلابی را در بر می گیرد و یا نیروی انقلابی در خود این انرژی را احساس می کند، جامعه گام به سوی تغییر بنیادی و زیرورو کردن نهادها، تشکیلات، ارزشها، بنیادها و نظم حاکم برمی دارد. امروز در رفتارها، ابتکارات، نوآوریها، همبستگیها، توافقه‌ای نانوشته میان نیروها و نگرانیها برای تداوم اتحاد و همکاری، نشانه‌ها و نموده‌های انرژی انقلابی را شاهد هستیم. در این مرحله از جنبش یک نوع خشم انقلابی دیده می شود که در صدد پاسخ دادن به تمام سالهای سرکوب و تحقیر از سوی حاکمیت دینی است. این خشم و اعتراض نهفته در ضمیر خفته جامعه بیدار شده است. بیداری با صدای رسا در میان گروه‌های اجتماعی حاضر در جامعه برای آوار نظم ارتجاعی و فاسد در تمام زمینه‌ها . بیداری بعد سالها سرکوب و نقشه از سوی نهادهای قدرت برای خنثی کردن و به حاشیه کشیدن مردم از روند مناسبات اجتماعی

ملاله یوسفزی خطاب به زنان ایران: شما با نشان دادن شجاعتان دنیا را تغییر داده‌اید



در ادامه حمایت‌های جهانی از معترضان ایرانی، ملاله یوسفزی، فعال حقوق بشر و برنده جایزه صلح نوبل، خواستار حمایت جهانی از «مبارزه زنان ایرانی برای آزادی» شد. «ملاله یوسفزی»، فعال حقوق بشر و برنده صلح نوبل با نشر یک ویدیو در صفحه توئیترش حمایتش را از زنان و معترضان ایرانی اعلام کرده است.

خانم «یوسفزی» در این ویدیو خطاب به زنان ایرانی می‌گوید: «شما با فریاد و نشان دادن شجاعتان دنیا را تغییر داده‌اید. ما با شما هستیم».

وی همچنین گفت: هر زنی حق انتخاب دارد. نه هیچ دولتی، نهادهای یا شخصی حق تصمیم‌گیری درباره بدن زنان و اینکه زنان چه باید بپوشند و چگونه بپوشند را ندارد.

خانم «یوسفزی» از جامعه جهانی خواست تا از مبارزات زنان ایرانی برای رسیدن به آزادی حمایت کند.



این موج به پا خاسته
دریا شود آخر

یک راه وجود دارد آن نیز،

حمایت از نیروهای دموکرات و آزادی‌خواه است

پس از اعتراف سران رژیم ایران مبنی ارسال پهپاد انتحاری به روسیه، چهره واقعی جمهوری اسلامی ایران برای جامعه جهانی بیش از پیش نمایان شد.

جامعه جهانی به خوبی درک کرده که ارسال پهپاد ایران به روسیه و در نتیجه آن هدف قرار دادن مردم مدنی اوکراین، خلاف قوانین بین‌الملل است و بایستی جامعه جهانی رژیم ایران را بیشتر تحت فشار بگذارد و مقامات و سازمان‌های سازنده سلاح و پهپاد را تحریم کند.

طی دو ماه گذشته قیامی سراسری علیه رژیم ایران در جریان است و برای همه کاملاً روشن شده که تنها راه موجود گذار از این رژیم و تحقق آزادی است تا در سایه آن ملل تحت ستم ایران و دیگر تنوعات بتوانند آزادانه زندگی کنند و کرامت و حقوق از دست رفته‌اشان را پس بگیرند.

تنها راه تحقق این مهم نیز، حمایت از نیروهای دموکرات و آزادی‌خواه ایران است، تا همه در کنار هم بتوانند ایرانی نوین بنیان بگذارند..



کنگره ملیت‌های ایران فدرال
Congress of Nationalities for
Federal Iran